

رزمندگان انقلاب، تاپیروزی نهایی بر تجاوزگران صدامی، قهرمانان می جنگند

درود پر شور بر پاسداران انقلاب، بر نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران و به همه هموطنانی که با قهرمانی و نثار جان خود، آماده اند تا دشمن تجاوزکار را از خاک میهن انقلابی بیرون برانند

از جبهه های جنگ با تجاوزگران صدامی در غرب و جنوب کشور، بیابان اخبار شادی بخشی میرسد. موافق این اخبار، رزمندگان دلاور انقلاب در جبهه های نبرد رویارو با دشمنی که به اشاره و حمایت دشمن اصلی خلق های جهان - امپریالیسم آمریکا، بوطان انقلابی ما حمله کرده است، در يك تهاجم غافلگیرکننده، ضربات جدی زده اند و عملیات گسترده ای را برای بیرون راندن دشمن متجاوز از خاک میهن آغاز کرده اند.

آغاز عملیات تهاجمی ایران علیه دشمن تجاوزکار، که با هماهنگی کامل پاسداران انقلاب، نیروهای سه گانه ارتش و نیروهای مردمی انجام شده است، بخشی دیگر از حماسه آفرینی خلق قهرمان ایران در جبهه های جنگ تحمیلی به ایران است.

نورالدین کیانوری

«پرسش و پاسخ»

تشدید مبارزه
ضد امپریالیستی

و تعمیق
دمکراسی
مردمی مکمل
یکدیگرند

صفحه ۲

نامه

مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۴
پنجشنبه ۱۸ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۱۴ ربيع الاول ۱۴۰۱، بها ۱۵۰ ریال

بهرزاد نبوی:

آمریکا همیشه مشغول توطئه علیه انقلاب ایران بوده، هست و خواهد بود

* عناصر سودجو مخالف کنترل دولت بر اقتصاد کشوراند
* «گروگانها» وقتی آزاد میشوند که شرایط مجلس از طرف آمریکا پذیرفته شود.

بهرزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی و سخنگوی دولت، بعد از ظهر روز گذشته، در يك مصاحبه مطبوعاتی، به نقش عناصر سودجو و منفعت طلب در اقتصاد ایران اشاره کرد و گفت: «هرچه دولت بخواهد در زمینه مسائل اقتصادی نقش فعالتری را بعهده گیرد، این عناصر، که منافع خودشان را در عدم کنترل دولت به اقتصاد مملکت می بینند، ناراحت میشوند».

در ادامه تهاجم گسترده نیروهای انقلاب

تجاوزگران صدامی، در اکثر جبهه های جنوب و غرب مجبور به عقب نشینی شدند

* ۲ قرونند هوایمای تجاوزگران صدامی در منطقه اهواز سرتگون شد.
* دشمن در منطقه گیلان قرب، چندین کیلومتر عقب رانده شد.

در ادامه تهاجم وسیع و پیروزمندان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به تجاوزگران صدامی، دشمن با تحمل ضربات سنگین مجبور به عقب نشینی در اکثر جبهه های جنوب و غرب کشور شد.

به هشداری باش سپاه پاسداران انقلاب پاسخ مثبت دهیم

ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در ارتباط با توطئه های امپریالیسم جنایتکار آمریکا در داخل کشور برای سرتگونی نظام جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه ای از همگان دعوت کرده است که، هرگونه اطلاع یا خبر در مورد فعالیت های عمال ضدانقلاب و نیز فعالیتها و رفت و آمدهای مشکوک را، از طریق شماره تلفن ۸۳۱۱۱۱، به دفتر خبر ستاد مرکزی سپاه پاسداران اطلاع دهند.

«نامه مردم»: ما خوشنودی خود را از هشداری باش سپاه پاسداران انقلاب، که گویای هوشیاری نیروهای مسئول و مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه های امپریالیسم آمریکاست، اعلام میداریم و از همه اعضاء و هواداران حزب میخواهیم که به این هشداری باش و توصیه منتشره در آن پاسخ مثبت دهند و مانند همیشه، صمیمانه در جهت کشف و خنثی کردن توطئه های عمال آشکار و نهان امپریالیسم آمریکا، با سپاه پاسداران انقلاب همکاری کنند.

بقیه در صفحه ۲

ضرورت پاکسازی، بگونه ای دیگر

بایروزی انقلاب، پاکسازی در ادارات دولتی و سطوح ارتشی، هرچند با تاخیر و ناپیکیری و اگرچه با کم و کاستی ها و زیاده روی ها، بگونه ای انجام شد: عده ای از ساواکی های شناخته شده و افراد وابسته به رژیم طاغوت و ضد - انقلابیهای فراری، بر حسب شدت جرم و فساد و زیانکاری شان، یا منفصل و یا بازتست و بازخرید شدند.

اما دشمنان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران محدود به این گروهها نیست و طیف به مراتب گسترده تری دارد. خطرناکتر از این گروههای شناخته شده، عواملی از دشمنانند که ناشناخته مانده اند. اینان چه بسا افراد خوشنامی (!) هستند که امپریالیسم و سازمانهای جاسوسی اش، آنان را برای «روزمبادا» ذخیره کرده اند، تا در لحظات حساس، این مهره های دست آموز را در صفحه شطرنج سیاست به پیش برانند و

در مقامات حساس انقلاب رخنه دهند، تاراهندگان انقلاب شوند. فراموش نکنیم که بختیار سالها در صفوف جبهه ملی ذخیره شد و پی استوار کرد، تا در موقعیت مناسب، بعنوان يك «رجل مبارزه» سلطنت منقور پهلوی را نجات دهد. فراموش نکنیم که ضدانقلابی های «نامداری» نظیر تزیه و امیرانظام و مقدم مرآه ای از صفوف سازمانهای ایوژیسیون بیرون آمدند، و پس از انقلاب، بدلیل «سوابق مبارزاتی» شان و یا حتی بدون آن، بر اساس مقامات حساس قرار گرفتند، همانها که امروز یا در زندان اند و یا در خارج از کشور همکار جرم و اویسی و ازهارای و ثابتی اند برای درهم شکستن نظام جمهوری اسلامی ایران.

شیوه عمل امپریالیسم برای رخنه در صفوف مبارزان ضد - امپریالیست، و جنبشها و انقلاب - شطرنج سیاست به پیش برانند و

رفیق محمد فرهاد، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش را آزاد کنید!

در ماههای پیش، سرکوب کمونیست های بنگلادش بار دیگر فزونی گرفته است. نزدیک به ده ماه پیش، رفیق محمد فرهاد، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش، همراه با پنجاه تن دیگر از اعضای کمیته مرکزی و کمیته های ایالتی حزب دستگیر شد.

چندی بعد، در پرتو اعتراضات گسترده نیروهای میهنی و دمکراتیک، در بنگلادش و در سراسر جهان، دولت بنگلادش مجبور شد که پنجاه رفیق نامبرده را آزاد سازد، ولی همچنان از آزادی رفیق فرهاد حتی بقید کفالت، خودداری ورزید. چنین می نماید که دولت بنگلادش قصد دارد رفیق محمد فرهاد را برای مدتی طولانی پشت میله های زندان نگاه دارد.

چنانکه کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش به کمیته مرکزی حزب توده ایران اطلاع داده است، وضع مزاجی رفیق محمد فرهاد بسیار وخیم و نگرانی انگیز است. ما، ضمن اعتراض شدید نسبت به سرکوب نیروهای مترقی و دمکراتیک در بنگلادش و ابراز هبستگی با قربانیان اختناق در آن کشور، خواهان آزادی فوری و بلاشرط رفیق محمد فرهاد، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش هستیم.

بقیه در صفحه ۲

امام خمینی:

ایران وابسته به هیچ جا نیست و این بهترین چیزی است که جمهوری اسلامی آورده

روز سه شنبه ۱۶/۱۰/۵۹ آقای محمدعلی رجایی نخست وزیر و تمام اعضاء کابینه به حضور امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، رسیدند.

امام خمینی در بیانات خود در باره مسائل مختلف کشور، از جمله اظهار داشتند:

«... مردم گوش ندهند به حرف اینهایی که می گویند دولت هیچ کاری نکرده و نمی تواند هیچ کاری بکند... مردم باید بفهمند که دولت چه کارهایی برایشان انجام می دهد».

امام خمینی گفتند: «انشاءالله این جنگ هم بزودی تمام بشود و افطوری که امروز صبح هم حتی گفته شد، پشرفت زیاد بوده است و من امیدوارم که دنبال بشود این وضع و آرام بشود مملکت، گرچه آنها نمی گذارند به این زودی ما آرام بگیریم. ممکن است يك جای دیگر يك فسادی بکنند. لکن شما و ما مصمم باشیم. ملت ما باید مصمم باشد به اینکه آن چیزی را که بدست آورده از دست ندهد».

امام خمینی گفتند: «حالا باید ادارات بروی مردم باز باشد و با آغوش باز مردم را بپذیرند. دردهایی که مردم دارند بتوانند بگویند و آنها هم گوشش کنند در این که حل بشود مسائلمان. که مردم احساس کنند که يك دولتی است مال خودشان است و برای خودشان دارد خدمت می کند».

امام خمینی گفتند: «آیا در جای دیگر يك همچنین چیزی سراغ دارید تا بیایند و بگویند اینجا با زمان شاه فرقی نکرده، خوب باید آدم اینقدر بی انصاف باشد که بگوید حالا با زمان شاه فرقی نکرده».

امام خمینی گفتند: «حالا ما وابسته به غیر نیستیم. البته يك بقیه در صفحه ۲»

خود کفایی مالی تا تر در ایران یا کمک مالی و فنی دولت به تا تر

صفحه ۶

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

پیام سازمان جوانان توده ایران به اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین (گویس)

بمناسبت شانزدهمین سالگرد انقلاب فلسطین

دوستان عزیز!

اول ژانویه، سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین را از طرف همه جوانان انقلابی ایران، و از جمله اعضاء و هواداران «سازمان جوانان توده ایران» به شما و از طریق شما به همه مردم و جوانان و دانشجویان فلسطینی صمیمانه تبریک می گوئیم.

مبارزه عادلانه مردم فلسطین برای بازپس گرفتن اراضی اشغالی، کسب خودمختاری و تشکیل دولت مستقل فلسطینی، از پشتیبانی همه نیروهای صلح دوست و ترقی خواه جهان و از جمله مردم و جوانان انقلابی ایران برخوردار است. تقویت و تسلیح دولت صهیونیستی اسرائیل به عنوان یکی از پایگاه های مهم تجاوز امپریالیستی در منطقه خاورمیانه، یکی دیگر از توطئه های ننگین امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، برای درهم شکستن جنبش رهایی بخش خلق های این منطقه است. از همین رو همبستگی یکپارچه جوانان همه مردم این منطقه در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم در دستور کار انقلابیون خاورمیانه قرار دارد.

مبارزه دلیرانه مردم و جوانان فلسطینی زیر رهبری «سازمان آزادی بخش فلسطین» تنها نماینده واقعی و قانونی خلق فلسطین علیه صهیونیست های اسرائیلی، الهام بخش همه انقلابیون ایران است. در این راه هزاران نفر از جوانان دلاور فلسطینی شهید شده اند، اما خلق فلسطین از نبرد عادلانه خود دست نکشیده و نخواهد کشید. اقدامات مذبحخانه رژیم تروریستی تل آویو در دوران اخیر، چون ایجاد شهرک های یهودی نشین در فلسطین اشغال شده، اخراج شهرداران فلسطینی از موطن خود، گلوله باران جنوب لبنان و کمک به نیروهای راست گرای مسیحی و سرگرد شورشی سعد حداد در لبنان، همه و همه نمایانگر عجز این رژیم ضد خلقی در مقابل بیسنگار دلاوران خلق فلسطین است.

امپریالیست های آمریکایی، رژیم صهیونیستی تل آویو و رژیم

تجاوزگران...

بقیه از صفحه ۱

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز)، به گردان تانک قادیسیه در منطقه سوسنگرد، یورش برده و تلفات عمده ای به گردان مزبور وارد ساختند.

۳- قهرمانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران تجمع نیروهای دشمن در منطقه چغیر و حمیدیه را مورد حمله قرار داده و بمباران کردند. این ۷۰-ان، افزون بر تلفات انسانی که به دشمن وارد آوردند، تعدادی

خودرو و کامیون مزدوران متجاوز را نیز به میزان ۸۰ درصد نابود کردند.
۴- پرائر اجرای آتش یگان های خودی به نیروهای دشمن در محور دارخوین - مار، یک قبضه خمپاره انداز، یک دستگاه تانک یکدستگاه خودرو و ۳ سنگر مزدوران به آتش کشیده شد.
۵- علاوه بر ۲ فرزند میک و یک فرزند هلیکوپتر مهاجم عراقی، که خبر سقوط و انهدام آنها در روز ۱۶ دیماه ۵۹، طی اطلاعیه ۳۶۳ به آگاهی رسیده است، ۲ فرزند میک متجاوز دیگر نیز در منطقه اهواز مورد

رزمندگان انقلاب...

بقیه از صفحه ۱

بدنبال حمله تجاوزگران صدامی به خاک ایران، هرچند در ابتدا نیروهای ایران عقب نشستند و بخشی از خاک میهن به تصرف دشمن درآمد، اما طولی نکشید که خلق رزمنده ایران، به بهای خون گرومی از بهترین فرزندان خود، راه پیشرفت را بردشمن بست و به خیال دارو دسته صدام، که تصرف برق آسای خوزستان بود، مهر باطل زد. از این پس نوبت حمله برای بیرون راندن دشمن از خاک میهن بود. در یک ماه گذشته، با اینکه چندبار وعده حمله به دشمن داده شد، ولی متأسفانه این امر انجام نشد. به تعویق افتادن حمله به دشمن، که به درازا کشیدن جنگ را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار میداد، تا بتواند فشارهای گوناگون بر ایران وارد کند، سبب تکرانی جدی نیروهای انقلابی میهن شده بود. این تکرانی در تلگرام آیت الله منتظری به رئیس جمهوری ابراز شد و بدنبال آن مردم قهرمان ایران در راهیمنی ها و قطعه نامه ها، خواستار آغاز تهاجم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به دشمن متجاوز شدند.

خوشبختانه این امر حیاتی عملی شد و رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، روز ۱۵ دی ۵۹، تهاجم گسترده خود را به دشمن آغاز کردند و موافق اعلامیه های ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و پیام رئیس جمهوری به امام خمینی و سخنان حجت الاسلام خامنه ای، امام جمعه تهران و نماینده امام در شورای عالی دفاع، ضربات جدی بردشمن وارد آوردند. حزب توده ایران، مانند همه مردم انقلابی ایران، ضمن ابراز خوشحالی از این پیروزی نیروهای رزمنده انقلاب، امیدوار است که این حملات ادامه یابد و هرچه زودتر خاک میهن انقلابی ما

هدف قرار گرفت و نابود شد. ضمناً تعداد ۲ فرزند هواپیمای مهاجم، توسط رادار خازک کشف و با تیراندازی یکان های پدافند زمین به هوا، متواری شدند.
۶- قوای کفر صدامی بدنبال شکست خود در منطقه اهواز، شهرهای آبادان و دزفول را زیر آتش توپخانه و سلاح سنگین قرار دادند، که در نتیجه چند باب خانه مسکونی و مغازه تخریب و طعمه حریق گردید. پرائر این حمله ۲ نفر زخمی شدند. در این جبهه ها مبادله آتش بین نیروهای مبارز اسلام و دشمن با برتری آتش خودی همچنان ادامه

از لوث وجود دشمن پاک شود. همانطور که در پیام آیت الله منتظری، به مناسبت پیروزی مرحله اول تهاجم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آمده، این هجوم دلاورانه، نشانه بودن روحیه قوی و آمادگی لازم برای پیشروی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است، و بر همین اساس است که امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در تلگرام خود به همین مناسبت به رئیس جمهوری، امیدواری خود را در مورد دریافت خبر پیروزی نهائی اعلام داشته اند.

امام خمینی، بدینسان، خواست همه توده های میلیونی ایران را بیان کرده اند.

باید گفت که اکنون شرایط برای نیل به این پیروزی فراهم است. نیروهای خط اول جبهه از پاسداران گرفته تا نیروهای سه گانه ارتش و نیروهای مردمی، یکپارچه و متحد، با شور و خروش انقلابی، با قهرمانی کم نظیر، آماده اند تا به بهای خون خود، دشمن را از خاک میهن برانند و دست امپریالیسم آمریکا را از میهن ما کوتاه کنند. در پشت جبهه نیز میلیون ها ایرانی میهن دوست، در شهر و روستا، در مزرعه و کارخانه، در مدرسه و اداره، با شور و شوق انقلابی و فداکاری کم نظیر آماده هرگونه کمک به صفوف جبهه و نبرد پیکر با دشمنان انقلاب برای نیل به پیروزی نهائی هستند. با استفاده از این نیروی عظیم باید هرچه زودتر ضربه آخر را به نیروهای تجاوزکار وارد کرد و آنها را از خاک ایران بیرون راند.

بدون تردید بیرون راندن تجاوزگران صدامی از خاک ایران، پایان نبرد سرنوشته ساز بسا امپریالیسم آمریکا نیست، اما ضربه ای است قاطع، که می تواند به امپریالیسم آمریکا شکست تازه ای را تحمیل کند. در این پیروزی نیروی هست، که خلق رابیشتر از پیش برای ادامه نبرد، تاپیروزی قطعی و نهائی برامپریالیسم آمریکا، بسیج خواهد کرد.

خودفروخته سادات می کوشند با سرهم بندی قرارداد خائنانه کمپ دیوید و کشاندن پای دیگر رژیم های ارتجاعی عرب، چون اردن، به این قرارداد، مبارزه مردم فلسطین را منحرف و سرکوب کنند. اما خلق فلسطین و همه نیروهای مترقی و دموکراتیک منطقه و جهان ماهیت این تشبثات خائنانه را رسوا کرده و با آن به مقابله می پردازند. دوستان عزیز!

انقلاب های ایران و فلسطین حلقه های از زنجیر واحد مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم هستند. امپریالیسم جنایتکار آمریکای برای درهم شکستن انقلاب شکوهمند میهن ما، دارو دسته صدام را به تجاوز به ایران واداشته است. این توطئه خائنانه به تشنجات موجود در منطقه خاورمیانه دامن زده، افکار عمومی مردم منطقه را از توجه به مبارزه عادلانه خلق فلسطین منحرف می کند و امکانات مادی عظیم دو خلق برادر ایران و عراق را، که باید در راه احقاق حقوق فلسطینی ها و مبارزه با امپریالیسم به کار گرفته شود، به باد می دهد. خلق ما این بار نیز توطئه امپریالیسم را با شکست روبرو خواهد کرد و با گام های بلند در راه تعمیق انقلاب خود و کمک به انقلاب فلسطین گام برخواهد داشت.

«سازمان جوانان توده ایران» به مناسبت اول ژانویه، سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین، بار دیگر همبستگی رزم چویانه خود را با مردم و جوانان فلسطینی و «اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی» ابراز می دارد و برای آنان در پیکار عادلانه خود آرزوی موفقیت می کند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکای ننگ و نفرت بر رژیم صهیونیستی اسرائیل! بیروزباد مبارزه عادلانه خلق فلسطین!

سازمان جوانان توده ایران
۱۳۵۹/۱۰/۱۰

دارد. ۷- برپایه گزارشهای رسیده، اخیراً بین پرسنل پلیس عراق، بعثت جنگ ایران و عراق، نارضایتی بوجود آمده و افراد پلیس عراق مرتباً فرار می کنند.

عقب نشینی تجاوزگران صدامی از منطقه گیلانغرب

در اطلاعیه شماره ۳۶۵ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله آمده است: «در عملیات تهاجمی هماهنگ شده دیروز (۱۶ دی) ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مردمی در منطقه گیلانغرب، تعداد ۷۰ نفر از مزدوران به هلاکت رسیدند و بیش از ۱۲۰ نفر از آنان زخمی شدند. یک انبار بزرگ مهمات دشمن منفجر و ۳ دستگاه تانک آنان بکلی نابود شد و سپاه متلاشی متجاوزان شکست خورده و مایوش چندین کیلومتر عقب رانده شد.»

امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱

احتیاجاتی دنیا بهم دارد. این وابستگی نیست. مثلاً ما احتیاج داریم که گندم بخریم. پول می دهیم و گندم می خریم... مبادلات تجارتي است وابستگی نیست. زمان شاه داشتیم که همه چیزمان را باید آنها بیایند اداره کنند. مستشار بیاید و لشکر ما را اینطور بکنند که کردند و آنطور خرابکاری، این مبادلات و باب خرید و فروش متقابل که یک اشخاصی باهم خرید و فروش می کنند، این اسمش وابستگی نیست. الان ایران وابسته به هیچ جا نیست و این بهترین چیزی است که جمهوری اسلامی آورده و آزادی هم هست. بنا براین اینکه نق رونق می زنند نه اینکه عقیده شان اینست که خیر، این دولت چیزی نیست یا فرض کنید که یک گرفتاری-

آمریکاهمیشه...

بقیه از صفحه ۱

علیه انقلاب ما بوده و هست و خواهد بود و با آزاد شدن گروگانها این سیاست تغییر نخواهد کرد.

مخالفان کنترل دولت بر اقتصاد

بهراد نبوی، که در حضور گروه کنتری از نمایندگان مطبوعات داخلی و خارجی سخن می گفت، درباره سرمایه دارانی که مخالف کنترل دولت بر اقتصاد کشور هستند، اظهار داشت: «طبیعی است که هرچه دولت بخواهد در زمینه مسائل اقتصادی نقش فعالتری را بپسندد، عناصر سودجو و عناصری که منافع خودشان را در عدم کنترل دولت بر اقتصاد مملکت می بینند، ناراحت می شوند، چون جلوی سودجویی آنها گرفته خواهد شد.»

«ما با این دسته عناصر برخورد جدی خواهیم کرد. حتی در بعضی زمینه ها، اگر دقت کنید، یک صنفی خودسرانه قیمت مواد تولیدی خود را بالا برد. سدد بسیج اقتصادی ضمن اخطار به این صنف، اعلام کرد که قیمت ها را تا به حال اولیه خودش برنگرداند، مواد اولیه در اختیارش نخواهد گذاشت.»

بهراد نبوی در ادامه سخنان خود گفت: «هیئت الجزایری روز جمعه به تهران آمد. این هیئت حامل پیشنهادات جدیدی است که به عنوان یک اعلامیه از طرف این دولت ارائه شده است. در این پیشنهادات، دولت الجزایر حاضر شده است که تعهدات طرفین، یعنی دولت جمهوری اسلامی ایران و آمریکا را بپذیرد، یعنی دولت ایران و آمریکا میتوانند تعهدات خود را در این زمینه در اختیار دولت الجزایر بگذارند. این مسئله علی الاصول مسودر قبول قرار گرفته است.»

وی آنگاه گفت: «ما می دانیم که سیاست آمریکا در رابطه با ملل مستضعف، از جمله ایران، هیچ تغییری بسا رفتن و ماندن این گروگانها نخواهد کرد. آمریکا همیشه مشغول توطئه بر علیه ملت های مستضعف و ملت ما و انقلاب ما بوده، هست و خواهد بود.»

وی خاطرنشان ساخت: «گروگانها وقتی آزاد می شوند که شرایط مجلس از طرف آمریکا پذیرفته شود... چنانکه احساس شود و مشخص شود که دولت آمریکا قصد سر دواندن و وقت گذراندن دارد، دولت به وظایف قانونی خود عمل خواهد کرد.»

بهراد نبوی همچنین در مورد خرید اسلحه از کشورهای دیگر گفت: «منابع تهیه اسلحه و مهمات جنگی باید مشخص شود. چنانچه همراه با وابستگی باشد، از آن منابع تامین اسلحه مجز نخواهد بود.»

بکنند. در صدر اسلام بعضی اشخاص وارد می شدند اشتباهی در چیز اسلام و فساد کاری می کردند، اینها را باید البته رسیدگی بشود و باید همه آموری و تقایمی که هست و زیاد هم البته هست، این تقایمی بسا بررسی ها، با رسیدن به این طور موارد، باید بررسی بشود و درست بشود که این تقایم هم که اشکال دارند به آن مثلا به دادگاهها یا زندانها یا جاهای دیگر این رسیدگی می خواهد که درست بشود.»

امام خمینی گفتند: «دیگر اینکه این ارگان هایی که در همه اطراف مملکت است رسیده ایم که اصلاحشان بکنیم. اشکالاتی در آنهاجا هست، هیچ اشکالی ندارد که در دادگاهها، در کمیته ها، در اینطور موارد، در بین این پاسدارها مثلا، خیلی مردم خوبی هستند، امام من است یک اشخاصی بین آنها وارد شده باشند به اسم پاسدار و فساد بکنند و یا در دادگاهها وارد شده باشد یک کمی فاسد

اجرائی این مصوبه است. این قانون مورد علاقه و توجه دولت است و در این زمینه هم اقدام خواهیم کرد. برای اینکه بتوانیم کلیه کالاهای مورد نیاز مردم را در اسرع وقت تامین کنیم، نیاز به سازماندهی است؛ و با سازمان موجود در وزارت بازرگانی، ما توان یک چنین کاری را نداریم. باید آمادگی پیدا کنیم و بعد قانون را به مورد اجرا بگذاریم.»

وی همچنین گفت: «ما فعلاً در زمینه آن کالاها، برای که نیازهای اولیه بدان داریم، سعی کردیم واردات و توزیع این کالاها را تا حد امکان در کنترل دولت بگیریم.»

آمریکا مشغول توطئه علیه انقلاب ایران است

بهراد نبوی در بخش دیگری از مصاحبه مطبوعاتی، ضمن ارائه نظریات دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد گروگانها، به ورود هیئت الجزایری به ایران اشاره کرد و گفت: «هیئت الجزایری روز جمعه به تهران آمد. این هیئت حامل پیشنهادات جدیدی است که به عنوان یک اعلامیه از طرف این دولت ارائه شده است. در این پیشنهادات، دولت الجزایر حاضر شده است که تعهدات طرفین، یعنی دولت جمهوری اسلامی ایران و آمریکا را بپذیرد، یعنی دولت ایران و آمریکا میتوانند تعهدات خود را در این زمینه در اختیار دولت الجزایر بگذارند. این مسئله علی الاصول مسودر قبول قرار گرفته است.»

وی آنگاه گفت: «ما می دانیم که سیاست آمریکا در رابطه با ملل مستضعف، از جمله ایران، هیچ تغییری بسا رفتن و ماندن این گروگانها نخواهد کرد. آمریکا همیشه مشغول توطئه بر علیه ملت های مستضعف و ملت ما و انقلاب ما بوده، هست و خواهد بود.»

وی خاطرنشان ساخت: «گروگانها وقتی آزاد می شوند که شرایط مجلس از طرف آمریکا پذیرفته شود... چنانکه احساس شود و مشخص شود که دولت آمریکا قصد سر دواندن و وقت گذراندن دارد، دولت به وظایف قانونی خود عمل خواهد کرد.»

بهراد نبوی همچنین در مورد خرید اسلحه از کشورهای دیگر گفت: «منابع تهیه اسلحه و مهمات جنگی باید مشخص شود. چنانچه همراه با وابستگی باشد، از آن منابع تامین اسلحه مجز نخواهد بود.»

روز ۱۱ دی ماه سال ۱۳۵۹ جلسه معمولی «پرسش و پاسخ» با حضور رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسشهایی که شرکت کنندگان در جلسه پیرامون مسائل گوناگون مرحله کنونی انقلاب مطرح کردند، پاسخ گفت.

بخش اول این «پرسش و پاسخ» در شماره گذشته به چاپ رسید و بخش دوم آن در این شماره درج می شود.

س: رابطه بین تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی و گسترش دموکراسی چگونه است؟ در شرایط کنونی که سمت گیری ضد امپریالیستی و خصلتی حاکمیت رادیکال تر شده است و با توجه به این که لایحه تعیین حدود و تنوع آزادی های دموکراتیک، احزاب و مطبوعات در شرف مطرح شدن در مجلس است، آیا می توان امیدوار بود که تصمیم گیری واقع بینانه ای در مورد احزاب و سازمان های انقلابی گرفته شود؟

ج: از قسمت آخر سؤال شروع کنم. دوستی که این سؤال را طرح کرده، باز به خلاف قراری که ما با سؤال کنندگان و شنوندگان گذاشته بودیم، که از ما هیچ وقت نخواهند که وارد فرضیات بشویم، می پرسد که آیا می توان امیدوار بود که تصمیم واقع بینانه ای درباره احزاب و سازمان های انقلابی گرفته شود؟ در باره این گونه سؤالات متذکر می شویم که کسار حزب سیاسی کار مشخصی است، یعنی نسبت به آنچه که هست با واقع بینی و با دید درست قضاوت می کند و نسبت به آنچه که در حال تغییر است تلاش می کند که آن را در جهت درست تغییر بدهد. این کار یک حزب مبارز نیست که مرتب حدس بزند و فرض بکند. مثلی هست درباره این طور "اگر" ها. می گویند که در سالهای آخر جنگ در آلمان نازی ها بخش بی کردند که اگر دریای مانس نبود ما در جنگ پیروز شده بودیم. چون رفته بودیم و انگلستان را گرفته بودیم و دیگر آن ها نتوانستند جبهه دوم را تشکیل بدهند، دیگر بیخود نیرویی این طرف آن نگاه نمی داشتیم و تمام نیرو را می بردیم در جبهه شرق. جبهه شرق را قطع و قطع کرده بودیم و... "خوب، با "اگر" دریای مانس نبود، ببینید که سرنوشت دنیا به کلی می توانست عوض شود! ولی دریای مانس آن جا بود، هیچ کاری نمی شد کرد، عوض نمی شد کرد. ما هم کوشش بکنیم که هیچ وقت نه با "اگر" های این طوری کار کنیم و نه با فرضیات.

تلاش ما این است که با عمل سیاسی خود نطفه های مثبتی که در جریان اداره انقلاب وجود دارد تقویت شود، این تلاش ماست، سعی کنیم با کار تبلیغاتی خود، با کار توضیحی خود، با کار روشنگری خود نشان بدهیم که بین تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی و گسترش دموکراسی خلقی، یعنی نه "دموکراسی" لیبرالی و "دموکراسی" آیدنگان و "بامداد"، که ما طرفدارش نیستیم - ارتباط واقعی موجود است، ما این دموکراسی را به معنای شرکت فعال و همه جانبه نیروهای که آماده مبارزه ضد امپریالیستی هستند، بدون هیچ گونه انحصار طلبی و بدون هیچ گونه محدودیت برای این نیروها می فهمیم. بنابراین روشن است که تضعیف این گونه دموکراسی به تضعیف جبهه ضد امپریالیستی می انجامد و بالعکس وظیفه ماست که این برداشتر از دموکراسی واقعی و پیوند آن با جبهه ضد امپریالیستی - سه درون توده ها ببریم. مثلا در آبادان، خونین شهر، اهواز و بعضی دیگر از نقاط جنوب توده های ما با عمل خود این واقعیت را به کسانی قبولانند که پیش از این به هیچ وجه آماده پذیرش چنین پدیده ای نبودند که با توده های ما در هیچ امری شرکت کنند. برای بعضی از پاسداران در این شهر - ها موقعی اصلا غیر ممکن بود که بتوانند با توده های همکاری کنند، ولی خوب ما با عملکرد انقلابی و کار تبلیغاتی خود، زمینه فکری برخی را تساهل اندازیم عوض کردیم. این آن کار مثبتی است که ما در جبهه وسیع خلق، باید انجام بدهیم و هر قدر نیروهایمان و امکاناتمان توسعه پیدا کنند، تاثیر این عمل ما نیز زیادتر خواهد شد، باید با عمل خود به ثبوت برسیم که تحکیم دموکراسی مبارزه ضد امپریالیستی را تقویت می کند، این را ما باید در داخل توده های وسیع مردم و مسئولین و مبارزان در تمام سطوح از پایین تا بالا گرفته با کار خود، با عمل سیاسی خود پیش ببریم. من خیال می کنم که ما در این دوسالی که از انقلاب می گذریم، با وجود تمام پیش داورهای فوق العاده منفی که نسبت به کار حزب ما وجود داشته است و با وجود رویدادهای جهانی که در جهت منفی روی عمل حزب ما تاثیر گذاشتند، مذلک در مجموع موفقیت های زیادی در قانع کردن قشرهای قابل توجهی از نیروهای مبارز دیگر که در موضع گیری ستیزه جویانه علیه حزب ما قرار داشته اند، به دست آورده ایم. در این جاکافی است که به تغییرات محسوس در موضع گیری های چریک های فدائی خلق و بخشی از نیروهای اسلامی اشاره کنیم. البته نباید این توهم را داشت که بدون هیچ سنگ و سنگلاخی بشود کماکان به این سرعت در این راه پیشرفت کرد. این چنین اعتقادی را ما نداریم، سمت گیری اساسی ما عبارت است از آماده کردن فکری قشرهایی که بالقوه در جبهه متحد خلق قرار دارند. برای درک لزوم همکاری در تشکیل جبهه متحد خلق از طریق عمل سیاسی خود، این مستگیری ماست و هیچ تزلزلی در آن نخواهیم داشت، حال آنکه است که به پیشرفت های تدریجی و کمی مابه تغییر کیفی در این زمینه تبدیل شود و ممکن، هم هست که باز هم توفان هایی ما را از سه قدم عقب بیاورد، امید ما این است که این حالت دوم پیش نیاید.

س: به این ترتیب این که در مجلس چه خواهد گذشت و چه خواهد شد، این را ما پیش بینی نمی کنیم، کوشش ما این است که تصمیماتی که مجلس درباره لایحه احزاب و مطبوعات می گیرد، محدود کننده آزادی واقعی نیروهای ضد امپریالیستی اصیل و راستین نباشد، این تلاش را ما خواهیم کرد.

س: بنی صدر تا چه حد می تواند در مواضع خود باقی بماند و سرنوشت انقلاب با وجود بنی صدر به کجا می کشد؟

ج: آن چه که ما می توانیم در این زمینه قضاوت بکنیم تا حدودی در مقاله درباره "القاء ایدئولوژی" بیان شده است. ما در آن مقاله نشان دادیم که با کمال تأسف جبهه های که الان زیر پرچم آزادی های لیبرالی تشکیل شده است، با وجود عدم تجانس خود، مرکب از عناصر ناسالمی است که نه تنها به هیچ وجه به نفع انقلاب عمل نمی کنند، بلکه عمل آن ها در جهت تضعیف نیروهای انقلابی است. آن هم در لحظه ای که هجوم امپریالیسم، ارتجاع و ضد انقلاب روز به روز شدت پیدا می کند و خطرات جدی برای انقلاب ایران بوجود می آورد.

به این ترتیب عملکرد و موضع گیری های آقای بنی صدر هم باید در همین چارچوب مورد بررسی و قضاوت قرار گیرد، ما وارد جزئیات انتقادات و برخورد ها در این باره نمی توانیم بشویم، برای این که از همه این جزئیات اطلاع نداریم. از سوی دیگر نمی توانیم بگوییم که همه انتقادات آقای بنی صدر ساختگی، نادرست و اشتباه است، خیلی چیزها است که ما هم با آن ها نمی توانیم موافق باشیم. مثلا درست است که زیاد روی های خیلی جدی از طرف نهادهای انقلابی نسبت به حقوق و آزادی های مردم شده است، در این نهادهای سوء استفاده ها و سوء اداره های هم دیده شده است، همه این ها هست و نمی شود آن را انکار کرد، خود حزب ما از این برخوردهای انحصار طلبانه ضربه های سختی خورده است، ولی سؤال مهم این است که آیا مسئله اساسی انقلاب ایران در لحظه کنونی این است؟ در این مسئله است که ما با آقای بنی صدر و دوستانش اختلاف نظر جدی داریم، مثلا در شرایطی که آقای لیبرال و دارودستاش ما را به تجاوز نظامی، اشغال جزایر ایران در جنوب و مین - گذاری سادریان تهدید می کنند و در شرایطی که ما درگیر یک جنگ دفاعی

نورالدین کیانوری
«پرسش و پاسخ»

تحکیم مبارزه ضد امپریالیستی و تعمیق دموکراسی مردمی مکمل یکدیگرند

باید با عمل خود به ثبوت برسیم که تحکیم دموکراسی، مبارزه ضد امپریالیستی را تقویت می کند

دیگر قابل تحمل نیست که در شرایط حساس کنونی در برابر تصمیم گیری های مهم، مقاومت و کار شکنی بشود

حزب توده ایران با «ترجیهای پوک» بحث ایدئولوژیک ندارد

هستیم و قسمتی از خاک ایران از طرف تجاوزکاران اشغال شده است و ما باید تمام نیروی خود را در جهت دفع تجاوز تجهیز کنیم. روزنامه "انقلاب اسلامی" در مقاله ای که دوبار هم به چاپ می رسد، پیشنهاد میکند که ما باید برویم و جمهوری های مسلمان نشین اتحاد شوروی را "آزاد" و دولت افغانستان را سرنگون کنیم. حالا این بیج شل کجاست، این رادیوگر خود پیچی این جا شل است. حالا این بیج شل کجاست، این رادیوگر خود آن آقایان باید تشخیص بدهند. این جا است که نمی دانیم آیا واقعا باید سراغ پزشک رفت، و به او مراجعه کرد که اینجا بیمار روحی وجود دارد، یا این که باید تحقیق کرد که چه کسی و چرا نغمه ناساز سرمی دهد؟

باین ترتیب تصور می کنیم که اگر یک هسته کوچک و سالم هم در طرز فکر کسانی که در جهت منافع عمومی خلق ما در مبارزه علیه امپریالیسم، در مبارزه علیه خطرانی که الان ما را تهدید می کند وجود داشته باشد، چنین افکاری نمی تواند از مغز آن ها تراوش کند. بنابراین ما این نظریات روزنامه "انقلاب اسلامی" را که بیانگر تفکرات آقای بنی صدر است (چون آقای بنی صدر تاکنون این گونه مطالب را به عنوان انحرافی از عقاید خود رد نکرده است) قابل تامل می دانیم و سؤال می کنیم که این مطالب تا چه حد واقعا به نفع انقلاب ایران است و ادامه این موضع گیریها چه صدمه های خطرناکی ممکن است به انقلاب ایران وارد کند؟

ما خیال می کنیم که این بحثی نیست که فقط ما باید در آن شرکت بکنیم. بحثی که الان درباره عمل و موضع گیری های جناحی که آقای بنی صدر در رأس آن قرار گرفته، در گرفته است بحث روز تمام مخالف سیاسی میهنی ما است. ما همان طور که تا به حال چندین بار در همه موارد بیان کرده ایم و در نشریات حزب ما نیز هست، در این زمینه کاملا روشن است. ما عقیده داریم که جبهه وسیعی از امپریالیسم و ارتجاع جهانی و ضد انقلاب داخلی برای درهم شکستن انقلاب کشور ما و درهم شکستن جمهوری اسلامی ایران در چارچوب کنونی آن مشغول فعالیت است و از آن جا که اثر شکست هایی که انقلاب ایران بر امپریالیسم وارد آورده روز به روز نمایان تر می شود، این جبهه هم هر روز چون آمیزتر به حملات و دسیسه های خود ادامه می دهد و وضع خطرناکی را برای انقلاب ایران بوجود آورده است. نیروهای داخلی ما، آن نیروهایی که به این جبهه کمک می کنند، چه آگاهانه، چه ناآگاهانه، در جهت مخالف سمت گیری سیاسی حزب ما قرار دارند، یعنی ما با آن ها مبارزه سیاسی خیلی جدی را پیش می گیریم که در جهت افترا کردن آنها و نشان دادن موضع گیری های نادرست و زیان بخششان به انقلاب است. برای بعضی از این ها ما ماهیت دیگری جز - مقابله با انقلاب قائل نیستیم. مثل لیبرال ها، سرمایه داران، غارتگران و آن هایی که انقلاب منافع آن ها را محدود کرده و یا تهدید به محدود شدن می کند، خوب این عادی است که این ها در چنین وضع و جریانی در جهت کمک رساندن به ضد انقلاب عمل می کنند، اینان مثل همان هایی هستند که علی رغم تمام هشدارها در شب هایی که حملات هوایی می شود، چراغ - هایشان را روشن می گذارند و با لجه بازی می خواهند نشان بدهند که به ضد انقلاب، و به دشمن حاضرند کمک کنند، اینان با هر پدیده ای که ببینند در جهت مخالف سمت گیری آن ها، یعنی آماده گردن راه سازش و تسلیم به آمریکا است، با خشم و عصبانیت و تشنج عصبی روبرو می شوند.

اگر شما نوشته های "انقلاب اسلامی" و "میزان" را در دو، سه روز اخیر در مورد تظاهرات روز اربعین و صحبتی که در آن جا شده خوانید، می بینید که این تشنج عصبی تا چه حد شدت دارد، برای چه؟ برای این که در آن تظاهرات آن چیزی که امروز برای میهن ما مطرح هست، یعنی تجاوز آمریکا، تجاوز غیر مستقیم آن به دست صدام و تهدید تجاوز مستقیم و تهدید توطئه های ضد انقلاب، که آن هم مال آمریکا است، در آن جا مطرح بوده است و این ها عصبانی هستند، که چرا مردم ایران علیه آن نیروی جهانی که آنها علاقه مند هستند که با آن کنار بیایند و بالاخره زبان مشترکی با آن پیدا کنند، کاملا صریح و بدون هیچ گونه کج و موجبی موضع گیری کرده اند.

تا چه حد این جریان باید طول بکشد؟ به نظر ما این جریانی هم اکنون بیش از اندازه طول کشیده است. مثلا الان با وجودی که بیش از سه ماه از جنگ می گذرد و ما در جهان با حمله تبلیغاتی فوق العاده دامنه دار

امپریالیسم خبری تبلیغاتی روبرو هستیم، هنوز وزیر خارجه نداریم، هنوز اکثر کشورهای خارجی ما سفیر ندارند. یا این که وزارت دارایی و اقتصاد که مهم ترین مسئولیت را در شرایط کنونی برای مقابله با جنگ اقتصادی امپریالیسم دارد اصلا وزیر ندارد. در نتیجه اصلاحات اقتصادی نداریم. تصمیمات فقط روزمره است.

خوب، این دیگر قابل تحمل نیست. یعنی جامعه ما، دولت ما، نظام جمهوری اسلامی خیلی از خود خویشتن داری نشان داده اند که تا این حد این نابسامانی را در دستگاه رهبری تحمل کرده اند. ما امیدوار هستیم هر چه زودتر به این وضع خاتمه داده شود. البته بهترین راه حل این است که آقای بنی صدر خودشان بی بریدنه این که مقاومت نه تنها به تشکیل دولت کفکی نمی رساند بلکه به مجموعه انقلاب ایران و مقاومت مردم صدمه می زند. باید همان طور که ما خمینی توصیه کرده است که تا راه حل منطقی برپایه تفاهم پیدا نشود. رفع فوری اختلافات، جبهه متحد مقاومت را در برابر امپریالیسم وسیع تر خواهد کرد. ولی اگر واقعا نیروهای، کسانی، شخصیت هایی، عناصری بخواهند، با عناد، لجاج، باتوسل به امکانات مختلفی که در اختیارشان هست، در برابر تحکیم این جبهه روشی ضد امپریالیستی، که الان ضرورتش را از هر لحظه دیگر بیشتر احساس می کنیم، مقاومت بکنند، ایستادگی بکنند، آن وقت واقعا بنیاد های اصلی جمهوری اسلامی است که راه حل منطقی و قانونی برای حل این مسائل پیدا بکنند. وگرنه با ادامه این وضع به هیچ وجه نمی توان موافق بود.

س: آیا این درست است که حزب توده ایران گروه ها و گروهک های مختلف را که مخالف انقلاب هستند "ترجی پوک" یا "جاده صاف کن امپریالیسم" می نامد؟ آیا در تئوری و عمل نباید میان گروه هایی چون "بیکار"، "راه کارگر"، "چریک های اقلیت"، "زمنندگان"، "چریک های اشرافی"، "سه جهانی ها"، "رنجبری ها"، "عدالتی ها"، مائوئیست های تازه مسلمان شده مثل غضنفرپور و... فرق گذاشت؟ آیا حزب نمی تواند با این ها به بحث ایدئولوژیک بنشیند؟

ج: ببینید، کار حزب ما این نیست که برود و نیروی خود را صرف آن بکند برای این که ببیند بین گروهک هایی که در بالا از آن ها اسم برده شد چه اختلافات کوچکی وجود دارد؟ واقعیت هم این است که خود این ها هم واقعا نمی دانند چه اختلافاتی بین آن ها هست؟ چون آن ها در عمده ترین مسائل سیاسی و اجتماعی تقریبا خط مشایی دارند. در ارزیابی انقلاب ایران، در نیروهای که در انقلاب شرکت دارند، در باره دوستان و دشمنان انقلاب ایران در داخل و در صحنه جهانی، اختلاف - نظریات این ها فوق العاده ناچیز است. به نظر ما اصلا مسئله اختلاف - نظریات این ها به صورت مسئله عمده و اساسی مطرح نیست. مسئله عمده و اساسی این است که این ها در جبهه جنگ در کدام طرف قرار دارند؟ این طرف جبهه هستند یا آن طرف جبهه؟ اگر این طرف جبهه هستند، می شود با آن ها صحبت کرد و به خود گفت این ها با این که در مسائل عمده و اساسی ما در یک طرف جبهه هستند، می شود در باره اختلافات فرعی با آن ها به ما صحبت و بحث نشست.

این که ما معتقد هستیم همه این گروه ها در ستیزی که علیه جمهوری اسلامی موجود انجام می دهند، عمل شان به سود امپریالیسم تمام می شود، در این تحلیل ما هیچ گونه نادرستی نمی بینیم. در این که رهبری کدام یک از این گروه ها، عامل امپریالیسم است و کدام این ها ناآگاهانی هستند که به نفع دشمن دارند عمل می کنند، ما در این باره نمی توانیم قضاوت کنیم. پس قضاوت ما روی ماهیت این ها است. برای ما نمی تواند معیار این باشد که آیا این ها وابسته به امپریالیسم هستند یا گمراه هستند. چون ما اصلا نمی دانیم رهبران این ها چه کسانی هستند. غضنفرپور را می شناسیم، سلامتیان را از ۲۵ سال پیش به این طرف می شناسیم، ولی دیگران را که نمی شناسیم. بنابراین برخورد ما نسبت به این ها برخورد شخصی نیست، برخورد با عمل آنها است و مهم هم در سیاست عمل است. چون ممکن است کسانی در آن ها باشند که معصوم هستند، ولی عمل سیاسی شان درست به نفع دشمن است.

افراد که الان در جبهه ضد انقلاب عمل می کنند، همه شان که ساواکی جنایتکار نیستند. آدم های ساده ای هم هستند که در آن جا، بازجه آن ها می شوند، افرادی هستند که شاید شخصا آدم های عادی باشند، ولی از لحاظ سیاسی این قدر درکشان که است که حتی گاهی اوقات مخالف منافع خود عمل می کنند. این چیزی نیست که ما درباره آن قضاوت بکنیم. قضاوت ما همه در باره عمل کلی یک جریان، یک گروه سیاسی است. این عمل کلی اگر در آن جهت مشخصی است که ما بیان کردیم، ما اصطلاح "ترجی پوک"، "لیبرال" و یا "جاده صاف کن امپریالیسم" را رویش می گذاریم.

تازه این اصطلاح "جاده صاف کن امپریالیسم" اصلا اصطلاحی نیست که ما وارد کرده باشیم. این اصطلاح را یکی از روزنامه های هوادار خط امام خمینی اولین بار به صورت یک کاریکاتور معمول کرد و خوب هم جا افتاد.

خوب این جا سؤال می شود که آیا حزب نمی تواند یک سری بحث های ایدئولوژیک را با این گروه ها آغاز کند؟ آخر در ایران نزدیک به سی گروه مائوئیستی تشکیل شده که ما به آنها اسم عام "ترجیهای پوک" را گذاشته ایم، چطور ممکن است که ما با یک یک این ها به بحث ایدئولوژیک بنشینیم؟

البته با گروه هایی که از نظر کمیت و کیفیت اهمیت دارند، ما این بحث را انجام داده ایم و می دهیم. از طرف دیگر تصور نکنید که این گروهک های مائوئیستی، این "ترجیهای پوک" تنها مختص ایران هستند. نه، مثلا در پرتغال هم در حدود شانزده سازمان چپگرا و چپنا هست، که سهم آرای همه آن ها در انتخابات اخیر ریاست جمهوری بیش از ۱/۵ درصد نبود. ولی یکی از شکردهای ارتجاع و امپریالیسم همین است: ایجاد یک گرایش گریزاز مرکز، به یا کردن گروهک های متعدد. اگر این ها یکی می شدند، خوب حرف می زدند و با آن ها می شد حرف زد. ولی وقتی سی گروه شدند، شما یازده تا شان را هم که مجاب کردید یازده تا دیگر باقی می ماند. تازه در گروه دوم هم که یک انشعاب بود، دوباره می شوند سی تا. بنابراین، دوستان این شیوه ای که ما اتخاذ کردیم، موثرترین شیوه است. یعنی پرداختن به عمده ترین مسائل سیاسی - اجتماعی که در مقابل جنبش ما قرار گرفته و حوصله داشتن به این که نیروهای سالم به تدریج با تجربه شخصی، به درستی این ارزیابی هایی که ما می کنیم، پی ببرند. این شیوه ای است که مارکسیست ها همیشه همه جا به کار برده اند و نتایج آن هم درختان بوده است.

تعمیر کاران تبریز: ماهمه جار ا جبهه می دانیم!

رسیدگی به وضع صنعتگران از وظایف فوری و حیاتی مسئولان دلسوز انقلاب است

برای آشنایی بیشتر با وضع کار کارگران مکانیک و تعمیرکار، از "تعمیرگاه وسایل نقلیه سنگین تولکی" در شهر تبریز دیدار کردیم. وقتی وارد تعمیرگاه شدیم، مشاهده کردیم که قسمت اعظم حیاط را آب فرا گرفته است. ولی کارگران و استادکاران در اطراف این مرداب بزرگ گلرولای و لجن، مشغول به کار بودند. در آغاز وارد کارگاه گلگیرسازی شدیم. ایوب فخیم، کارگر گلگیرساز در باره کار و مشکلات خود گفت: "از سال ۱۳۳۴ تا به حال سرگرم این کار هستیم. مشکلات کار زیاد است، ولی در شرایط فعلی باید برخی از آنها را تحمل کرد و دولت هم باید بعضی از مشکلات موجود را مورد بررسی قرار دهد."

از چگونگی کمک او به جبهه‌های نبرد علیه تجاوزگران صدای برنیدیم. او با اشاره به یک نفتکش سنگین، که روی آن کار می‌کرد، گفت: "این تانکر در جبهه جنگ آسیب دیده است و پس از تعمیر باید مجدداً به جبهه برگردد، تا حداقل به امر سوخت‌رسانی شهرها کمک کند. من فکر می‌کنم بزرگ‌ترین خدمت من این است که هرچه زودتر کار تعمیر آن را به پایان برسانم، هرچند که این کمک من نسبت به سایر کارها بسیار ناچیز است."

از او پرسیدیم: آیا حاضر هستید به جبهه بروید؟ گفت: "اگر چه من همه جا را جبهه می‌دانم، ولی اگر وجود من در جبهه لازم باشد، حتماً به جبهه خواهیم رفت."

از راننده نفتکش، که در کنار نفتکش ایستاده بود و بر کار تعمیر آن نظارت می‌کرد، پرسیدیم: چرا شما تانکر خود را، که در جنگ آسیب دیده است، در یک تعمیرگاه خصوصی تعمیر می‌کنید؟ گفت:

"دولت بهتر است به جنگ‌زدگان و جبهه جنگ برسد، تا به من برسد. در ضمن در تعمیرگاه‌های ارتش آن قدر وسایل برای تعمیر هست که من صحیح نمی‌دانم که سربر آن‌ها شوم."



هر روز از ساعت ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر کار می‌کنیم

سین وارد کارگاه مکانیکی گریکس و دفرنسیال تعمیرگاه شدیم. آقای جواد انیس ثانی، مکانیک این کارگاه، که حدود بیست و شش سال در این کار سابقه کار دارد، گفت: "در شهر تبریز حدود چهارصد کارگاه مکانیکی وجود دارد. یکی از مشکلات مانع بودن سندیکا است. مسئله دیگر غیر بهداشتی بودن محیط کار است و مرکزی در تبریز برای رسیدگی به این کارها وجود ندارد."

او در ادامه سخنانش گفت: "تاکنون بارها به ادارات بیمه، امور بهداشت و اداره کار برای رسیدگی به مشکلات موجود در محیط کار مراجعه کرده‌ایم، ولی به هیچ‌یک از خواست‌های ما ترتیب اثر داده نشده است. مسئله دیگری که مدتی است با آن دست به‌گریبانیم، مسئله گرانی و کمبود وسایل یدکی است. مثلاً جنسی را که از ابزارفروشی تا چند روز قبل به مبلغ هزار و بیست تومان می‌خریدیم، امروز همان جنس را دوهزار تومان خریده‌ایم." او اضافه کرد که:

"مشکل دیگر ما در حال حاضر نداشتن جیره نفت و بنزین است. ما برای شستشوی موتور احتیاج به این مواد داریم. مسئولان امر باید هرچه زودتر به این امر مهم توجه کنند. درست است که ما در شرایط جنگی به سر می‌بریم، ولی سرنوشت ما از انقلاب جدا نیست و رسیدگی به وضع صنعتگران و بالاخص کارگران از وظایف فوری و حیاتی مسئولان دلسوز انقلاب است."

علی دهناد، کارگر اطاق‌ساز تعمیرگاه، هم از گرانی و کمبود وسایل اولیه کار گله داشت و حسین افشان‌فر، مکانیک موتوره‌های ماشین‌آلات سنگین تعمیرگاه، با بیست‌سال سابقه کار، ضمن اشاره به محیط نامساعد کار گفت:

"اگر دوازده روز پیش به این‌جا می‌آمدید، برای عبور از وسط کاروان می‌بایست با خود یک قایق می‌آوردید."

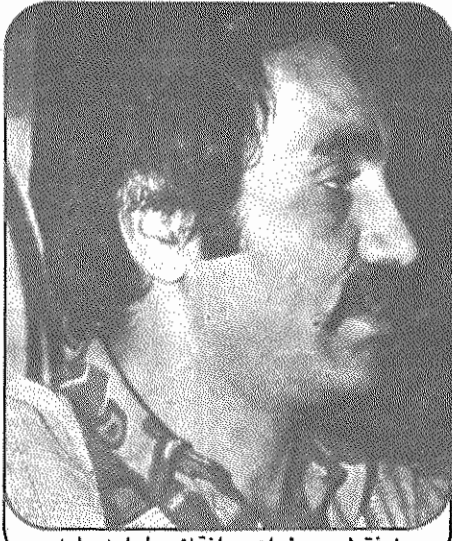
او سپس راجع به قسمتی از مشکلات موجود در محیط کار توضیحاتی داد و با اشاره به موتور آسی که در حال تعمیر آن بود، اضافه کرد که: "این موتور را از سه‌ماه پیش برای تعمیر به اینجا آورده‌اند، ولی وسایل یدکی آن پیدا نمی‌شود. اگر هم وجود داشته‌باشد، در انبار محکومین است. اگر من بتوانم این موتور را تعمیر کنم، کشاورزان یک ده فلج می‌شوند."

در این کارگاه علاوه بر افشان‌فر، سه کارگر جوان هم به نام‌های حسن (۱۵ ساله)، علی محمد (۱۶ ساله) و جعفر (۱۷ ساله) کار می‌کنند. از این کارگران جوان درباره مسائل روز پرسیدیم. یکی از آنها در پاسخ گفت:

"ما هر روز از ساعت ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر کار می‌کنیم و با این کار طاقت فرسا، دیگر فرصتی برای تعقیب مسائل روز برای ما باقی نمی‌ماند."

محل دیگری که مورد بازدید ما قرار گرفت، کارگاه نقاشی و تودوزی تعمیرگاه بود.

احمد بدلی، نقاش و تودوز تعمیرگاه، گفت:



ما فقط می‌خواهیم انقلاب ادامه یابد

"رنگ کیلوثی صد ریال را اکنون پانصد تا هزار ریال می‌خریم. مواد خشک‌کننده "سی‌نکس" کمیاب است. "تینر" کیلوثی پنجاه ریال به دویست ریال رسیده است. مشع متری صد ریال، در عین کمیابی، به قیمت پانصد تا هفتصد ریال فروخته می‌شود."

او سپس اضافه کرد که: "یکی از مواد اولیه کار ما بنزین و نفت است، چون موتور رنگ‌بازی ما بنزینی است، ولی ما بنزین نداریم. تا کنون اتحادیه در این مورد اقدامی به عمل نیاورده است. خطر او را در مورد جنگی رفع مشکلات جویا شدیم. او گفت:

"دولت می‌تواند به این کارها سروصورتی بدهد. در صنف ما هستند نقاشانی که قبلاً مقدار زیادی رنگ خریده و احتکار کرده‌اند. اگر ما بستگرمی داشته باشیم، این حالت دلهره و نگرانی از بین خواهد رفت. ما می‌خواهیم وضع همه یکسان باشد و اشخاص سودجو نتوانند چون گذشته سوءاستفاده کنند."

در کارگاه نقاشی و تودوزی، دو کارگر خردسال به نام‌های احمد اسحاقی‌نژاد (۱۴ ساله) و محمد (۱۳ ساله) هر یک با دستمزد هفتاد ریال کار می‌کنند.

در پایان، ما سرایدار تعمیرگاه به گفتگو نشستیم. مرضی، با هفتاد سال سن، روزی پانصد ریال دریافت می‌کند. از او نظری را در مورد انقلاب و جنگ پرسیدیم. او در حالی که اسک در چشمانش حلقه زده بود، گفت:

"من فقط می‌خواهم این انقلاب ادامه پیدا کند. من در گذشته در دوران رژیم شاه ملعون، آنچنان سختی کشیده‌ام که اکنون حاضرم تا هفت نسل من کشته شوند، ولی این انقلاب بایدار بماند."

مسئول آتش سوزی کارخانه برنج کوبی تمچال شخص کارفرما است

در ساعت ۳/۵ صبح روز یکشنبه ۱۸ آبان‌ماه ۵۹، کارخانه برنج‌کوبی در قریه تمچال دچار حریق شد. این آتش - سوزی حدود نیمساعت بطول انجامید، که به کمک ما موران آتش‌نشانی مردم آتش خاموش گردید. بعد از اطفاء حریق، رئیس شهربانی به محل حادثه رفت و از پسر کارفرما (کارفرما در مسافرت بود) و مکانیک کارخانه توضیح خواست.

مکانیک کارخانه، که مسئول موتور بود، اظهار داشت که: "کارفرما به من گفته که برای سوخت موتور از روغن سوخته استفاده کنم (چون ارزان تر است). من بارها به او تذکر داده بودم که با استفاده از روغن سوخته موتور خاموش می‌شود و همچنین به احتمال قوی موتور آتش می‌گیرد و منفجر می‌شود. ولی همیشه او بمن میگفت: تو کاری به این کارها نداشته باش."

مکانیک کارخانه در ادامه سخنانش گفت: "ما ساعت ۳/۵ صبح ابتدا موتور خشک کن را روشن کردیم. آنگاه به کارخانه برنج کوبی برای روشن کردن موتور آن رفتیم. هنوز یک دقیقه از روشن کردن خشک کن نگذشته بود که ناگهان صدای انفجاری را شنیدیم. ما بطرف صدای انفجار رفتیم و مشاهده کردیم که انبار خشک کن آتش گرفته است. شدت آتش بقدری زیاد بود که نتوانستیم داخل محوطه شویم."

دری این آتش سوزی، مقادیر متناهی سرنج در آتش سوخت و بسیاری از کسا و رزان سرمایه‌شان مبدل به آتش شد.

میزان خسارات وارده به سیزده نفری که در این جریان خسارت دیده‌اند، در مجموع مبلغ ۹۹۹۵۰۰۰ ریال است. کارفرما اعلام کرده است که توانایی پرداخت این مبلغ را ندارد و هیچ‌وجه قادر به جبران خسارات وارده نیست. قدر مسلم اینست که مقصر اصلی آتش سوزی شخص کارفرما است و هم‌اوست که برای بدست آوردن سود بیشتر، بجای روغن معمولی موتور، از روغن سوخته استفاده می‌کرد، در حالی که مکانیک کارخانه بارها خطرات ناشی از آن را به او گوشزد کرده بود.

مسئولین امر بایست در پیگیری این امر منتهی سعی و کوشش خویش را بعمل آورند تا کارفرما مجبور به پرداخت خسارات وارده به کسا و رزان زحمتکش شود. حوادثی از این دست نشان دهنده بی مسئولیتی کارفرمایان و احساس مسئولیت کارکنان واحدهاست. امروز کشور در حال جنگ است. حفظ و پیشبرد ظرفیت تولیدی کارخانه‌ها یک وظیفه انقلابی و میهنی است. شروع سهل‌انگاری (وجه‌ساز خرابکاری عمدی) نباید به جواب بماند.

کارگران شرکت ساختمانی «پرشیان» توطئه ضد انقلاب را خنثی کردند

جلوگیری کنند. همچنین با حمایت کارگران شورا توانسته است در مدیریت کارگاه نظارت داشته باشد و در امر تدارکات کار، نقش فعال و مثبتی را ایفا کند. این نقش فعال، علیرغم کارشکنی‌ها و تفرقه‌افکنی‌های پیمانکار و مائوئیست‌ها بوده است. پس از شروع جنگ تحمیلی، دشواری‌های ناشی از آن در این کارگاه نیز انعکاس یافت، که نمونه آن به تعویق افتادن حقوق کارگران بود. کارگران این شرکت حقوق خود را در پایزدهم همراه (بعد از ارسال گزارش وضع شرکت به تهران) دریافت می‌کنند.

کارگران در سال جاری پنجاه درصد حقوق خود را دریافت کردند و حقوق آنان ماه تا ۲۳ آذر ماه به تعویق افتاد. این مسئله زمینه خوبی برای فعالیت ضدانقلاب ایجاد کرد، تا بتواند با طرح شعارهایی چون "سه ماه است حقوق نگرفته‌ایم" و "فقط با اعتصاب می‌شود حقوق خود را گرفت"، کارگاه را به تعطیل بکشاند.

ضد انقلابیون گروهک مائوئیستی "پیکار"، که طراح اصلی این توطئه بودند، کارگران را فراموش

کارگران آگاه و انقلابی شرکت ساختمانی "پرشیان" شیراز با ادامه کار، توطئه ضدانقلاب را، که قصد به تعطیل کشاندن کارگاه و ایجاد جو آشوب و ناراضی بین کارگران داشت، خنثی کردند.

بروزه ساختمانی برای احداث آپارتمان‌های بلند در اطراف شیراز در حال اقدام است.

این پروژه به یکی از سازمان‌های دولتی تعلق دارد و بوسیله شرکت ساختمانی "پرشیان" در حال انجام است. قریب ۷۵۰ کارگر در رشته‌های مختلف ساختمانی (آرمان‌نویس، نجار، تاسیسات، حمل و نقل و غیره) از او اواخر سال ۵۶ مشغول کارند، آپارتمان‌های بلند بانزده طبقه، مشتمل بر دوهزار و دویست آپارتمان است. در جریان انقلاب تاخیر ۶ ماهه‌ای در امر ساختن آپارتمان‌ها وجود آمد.

حقوق کارگران این شرکت بین ۲۷۰۰ تا ۳۳۰۰ تومان است. کارگران این پروژه توانسته‌اند با تشکل و دفاع از حقوق صنفی خود، مرابایی را بدست آوردند و ابراج بی‌رویه کارگران

کارخانه آردزابل رادرجهت تامین احتیاجات مردم بکار اندازید

مقرون به صرفه نبود. همین دلیل کارهای بکندی صورت گرفت و بعد از مدتی، و خصوصاً در دو سال اخیر، ماشین‌ها از کار افتادند. میلیون‌ها تومان صرف خرید ماشین‌آلاتی در کارخانه آرد زابل شده است، که بطور انبوهی کار می‌کنند. با استفاده از آن‌ها می‌توان، تا حدود بسیار زیادی، احتیاجات مردم، قدیمی و با بکارگرفتن اسلوب و روش صحیح، می‌توان انحصارات امپریالیستی بهره‌برداری از آن را در

ماشین‌آلات کارخانه آرد زابل چندسال است (خصوصاً در دو سال اخیر) به علت استفاده نشدن در حال فرسودگی است. می‌توان از این ماشین‌ها برای تامین برخی احتیاجات استفاده کرد. کارخانه آرد زابل در سال ۵۵، بدون در نظر گرفتن شرایط محلی و بررسی منطقه، توسط دولت طاغوت از سوئیس خریداری شد. ولی به علت بهره‌برداری ناصح و عدم استفاده کامل از ماشین‌ها، کار با آن‌ها

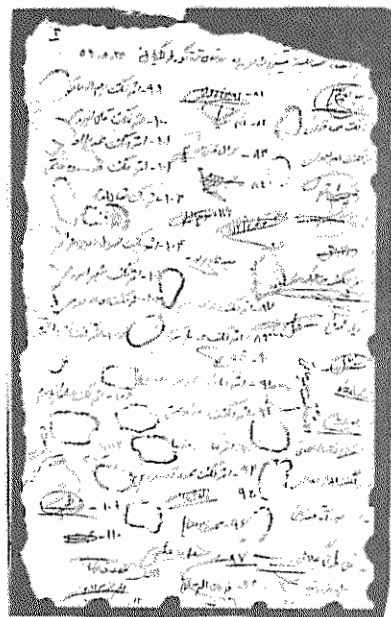
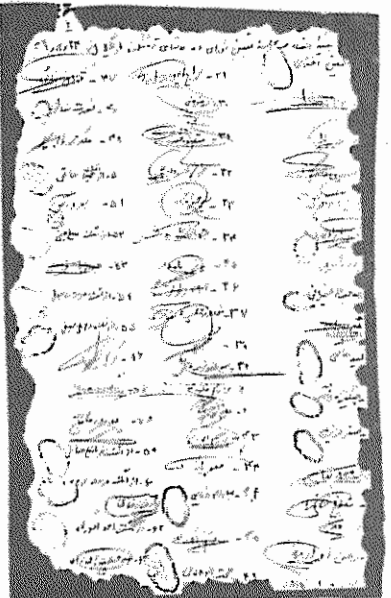
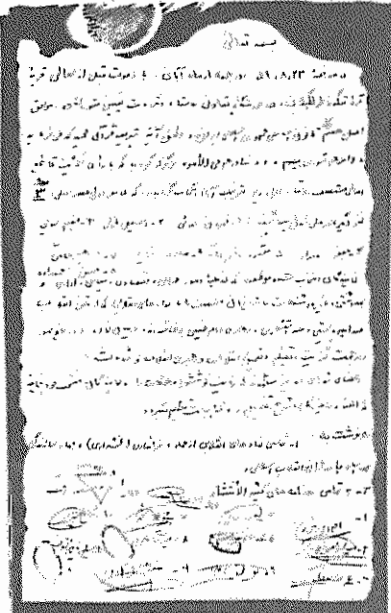
طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

روستائیان
تهیدست
اطراف
گنبد کاووس

با اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی

آرزو دارند به استقلال
و خود کفائی کمک کنند

وظیفه انقلابی شوراهای ده



با کوشش در این جهت است که شوراهای دهقانان میتوانند بر خرابکاریهای عده معدودی، و از جمله دو نفری که نمیخواستند بگذارند جلسه تشکیل شود، غلبه کنند و کار بسیار مهم و انقلابی خود را در پیشبرد خط امام و تحکیم جمهوری اسلامی ایران با انجام برسانند.

شورای روستای ترهنگده طولگیلان، در تاریخ ۵۹/۸/۲۳، بنا به دعوت قبلی و با حضور اهالی تشکیل شد. روستائیان روستای ترهنگده طولگیلان، علیرغم کارشکنی هایی که میشد، توانستند در این روز نمایندگان خود را انتخاب کنند. در سندها موبد تشکیل این شورا، که امضاء و اثر انگشت ۱۱۸ نفر اهالی روستا در زیر خود دارد، آمده است:

دوره روزه ۵۹/۸/۲۳، روز جمعه از ماه آبان، با دعوت قبلی از اهالی قریه ترهنگده طولگیلان در فروشگاه تعاونی روستا، انتخابات تعیین شورای ده موافق اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بر طبق آیه شریفه قرآن مجید که میفرماید: "و امر هم شورابینهم" و "ساورهم فی الامر" برگزار گردید که برای اکثریت قاطع اهالی مستضعف روستا، افراد زیر بترتیب آراء انتخاب گردیدند، که ۵ نفر اول اعضا صلی و ۳ نفر دیگر عضو علی البدل میباشند: ۱- قهرمان سنایی ۲- اسماعیل طولی ۳- عظیم رضایی ۴- جعفر نامدار ۵- مقصد وطن دوست ۶- عبدالله رضایی ۷- ابراهیم حاتمی ۸- حسن احمدزاده.

نمایندگان انتخاب شده موظفند که در کلیه امور عمرانی، اقتصادی، سیاسی، اداری و بهداشتی و غیره مشکلات روستائیان مستضعف را با نهادهای انقلابی، که از منتهای انقلاب ضدا میرا لیستی و ضداستعماری برهبری امام خمینی برخاسته اند، در میان نهاده و در رفع امور در جهت تقویت و تحکیم و تعمیق انقلاب و رهبری انقلاب کوشا باشند. اعضای شورای ده نیز متعهدند که نهایت کوشش و همکاری را با نمایندگان منتخب خود بنمایند که البته وظایف کلی با شرح و تفصیل در ورقه پیوست تنظیم می گردد.

رو نوشت این سند و امضاها و اثر انگشت برای نهادهای انقلابی و روزنامه ها ارسال شده است. همانطور که در متن سند موبد تشکیل شورا آمده است، شورابدرستی وظیفه دارند است که با استفاده از امکاناتی که دولت باید در اختیار آنان قرار دهد، کلیه مسائل و مشکلات روستائیان را، با کمک نهادهای انقلابی و با شرکت خود دهقانان، مرتفع سازد. بویژه در این هنگام که هیئت های هفت نفری کار اجرای قانون اصلاحات ارضی را آغاز کرده اند، بر شوراهاست که با تمام توان خود با هیئت مذکور همکاری کنند، تا قانون اصلاحات ارضی بدرستی و بسود دهقانان تهیدست اجرا گردد.

شوراهای مردمی میتوانند و باید در تعمیق و گسترش انقلاب شگوه مندمان نقش بزرگی را ایفا کنند، و با یاری جهاد سازندگی ده را توسعه دهند و چهره ای که شایسته انقلاب بزرگ ما باشد، به آن بخشند و با کمک ادارات و مسئولان متعهد دولتی، به اقتصاد ده و امور کشاورزی سامان دهند و زمینه ازدیاد محصول را فراهم کنند. هم چنین کمک بر رفع نیازمندیهای از قبیل بود و رختشویی و روغن و نفت و آرد - که مسائل حاد روز دهقانان ترهنگده است از وظایف شورا است.

جنگ هستیم". این منطقه به سبب موقعیت جغرافیایی، دارای آب و هوای مساعد کشت و اراضی بسیار حاصلخیزی است، لیکن روستائیان زحمتکش در رژیم گذشته تحت شدیدترین محرومیت ها و فقر و فلاکت و غارتگری ها قرار داشتند. اینک، بنا به گفته حجام، دست برخی از بزرگ مالکان از روستا کوتاه شده است، که مایه مسرت و شادی روستائیان تهنی دست است. لیکن این کار باید ادامه یابد، که بطور قطع ادامه می یابد. باید به وضع تمام اراضی رسیدگی شود و قانون اصلاحات ارضی در مورد تمام زمین های مشمول به اجرا در آید. باید دست تمام بزرگ مالکان از روستا قطع گردد و این بلا ناسود شود. باید هم زمان با اجرای اصلاحات ارضی، وسایل کار کشاورزان برایشان فراهم گردد، تا روستائیان تهنی دست و محروم، به یمن انقلاب بزرگ خود، با این وسایل بر روی زمین های آزاد شده کار کنند و با دست توانای خود برای کشور تولید بیشتر و استقلال و سلامت اقتصادی را به ارمغان آورند.

دیگران به صورت سهم بری (یک به ۵) کار می کنند و بعضی در شهر به کارگری مشغول هستند. حجام، دهقان چهل ساله ای که عضو شورای ده است، در مورد مسائلی که اهالی با آن ها روبرو هستند می گوید: "... بعد از انقلاب کسانی که در ده معتاد بودند، در صد ترک این بلای خانمان بر انداز برآمدند. از بلاهای دیگر روستا، بلای بزرگ مالک است، که در تمام دوره طاغوت به مراتب چنگ انداخته بودند و با همکاری پاسگاه همیشه بلای جان روستائیان بودند. اکنون با همکاری هیئت ۷ نفری و شورای مرکزی اسلامی دست قسمتی از آنها کوتاه شده است. حجام دریایان، در مورد جنگ تجاوزکارانه و تحمیلی رژیم صدام به ایران و اقداماتی که به وسیله اهالی انجام شده است، می گوید: "... در روستاهای اطراف برای کمک به جبهه جنگ اقداماتی شده است. در ده ما نیز به ابتکار خودمان در صد گردآوری مبالغی برای جبهه

روستای چای قوشان کوچک، یکی از روستاهای بخش کلالة در شمال شرقی گنبد کاووس است. این روستا ۷۵ خانوار را در بر می گیرد و جمعیت آن ۷۵۰ نفر و دارای ۷۵۰ الی ۸۰۰ هکتار زمین دیم است. اهالی این روستا از نظر آب شیرین در مضیقه هستند و با خودیاری، چاهی به عمق ۲۰ متر حفر کرده اند، لیکن به آب شور رسیده اند. آب آتامیدنی اهالی از رودخانه تا مین می شود، که خود موجب بروز انواع بیماری ها می گردد. صنعت رایج دستی در روستای چای قوشان تالی بافی است، که وسیله گذران زندگی اکثریت خانوادها است.

در این روستا از درمانگاه و حمام خیری نیست. در روستا شورا تشکیل شده است و افراد شورا از پشتیبانی و حمایت اهالی برخوردار هستند. جهاد سازندگی به اهالی روستا گفته است که بودجه آب چای قوشان تصویب گردیده و در نوبت است. دهقانان بی زمین بر روی اراضی

ضرورت ایجاد تعاونی در روستای بایجق تاتار، برای فروش محصولات کشاورزی به قیمت عادلانه

استفاده از یکی از جاههای آرتزین، لوله کشی آب روستا را پایان رسانده و این خود موجب ایجاد حمام شده است. بودجه لوله کشی بوسیله جهاد مردم تامین گردیده است. دانش آموزان راهنمایی روستا برای ادامه تحصیل به بخش نظام آباد، که در دو کیلومتری قرار دارد، می روند. اهالی روستا بهنگام بیماری به گنبد میروند.

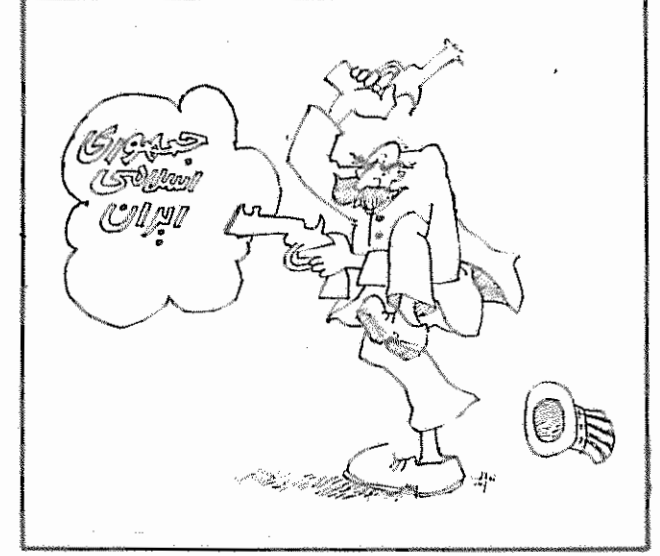
برای بهبود زندگی روستائیان و تسویق روستائیان به کشت بیشتر و سالم کردن محیط اقتصادی حتما ضروری است که به نقش واسطه ها در بالا رفتن قیمت اجناس و ارزاق و احتکار و فشار بر مردم، اعم از تولیدکننده و مصرف کننده و ایجاد ناراضی حاد توجه کرد. برای اینکه دست واسطه ها از این بخش از اقتصاد کشورمان کوتاه شود، هم زمان با اجرای قانون اصلاحات ارضی بود دهقانان تهیدست و ارضی و وسایل کار و زندگی برای آنان باید انواع گوناگون تعاونی صادر روستاها ایجاد کردند. دولت نیز از هم اکنون باید ضمن ایجاد تسهیلات برای کار آنها، محصولات را به بهای عادلانه مستقیماً از آنها خریداری کند.

در سال گذشته، اهالی بطریق تعاونی حدود ۱۷۰ هکتار را گندم و بقیه را بینه گاشتند. بهنگام برداشت گندم، روستائیان چون جایی برای نگهداری نداشتند، گندمها را به شهر آوردند. ولی در شهر دولت گندم را بوی ۲۸ تومان قیمت - گذاری کرده بود که اصلاً صرف نمیکرد. دلالتها سو استفاده کردند و گندم را به قیمت ۲۹ تومان از روستائیان گرفتند. بدینسان گندم روستائیان بدست واسطه ها افتاد. واسطه ها گندم را در سیلوی منطقه انبار کردند و زمانی که دولت بهای گندم را بالا برد، واسطه ها گندم را با قیمت جدید به دولت فروختند و با احتکار کردند، تا بازم قیمت بالا رود. این نمونه نشان میدهد که تا جهاندازه سیاست قیمت گذاری دولت و تضمین خرید محصول به دست قیمت عادلانه اهمیت حیاتی دارد. این واقعیت در مورد تقریباً همه محصولات و در همه مناطق کشور صدق میکند.

روستای بایجق تاتار، که در محل به قره موسوم است، در جاده شهرستان گنبد کاووس به آ زادشهر در کنار یل قره سو، در ۲۵۰ متری سمت شرق قرار دارد. روستای بایجق تاتار در حدود ۴۵ خانوار ترکمن و ۲۵ الی ۳۰ خانوار زابلی را در بر می گیرد. زابلیها بر روی اراضی مزروعی سکونت دارند. از اهالی ترکمن در حدود ۱۸ خانوار فاقد زمین هستند و در حدود ۴ خانوار ۵ هکتار زمین دارند. همچنین ۲ الی ۳ خانواده ۲۰ تا ۲۵ هکتار زمین و بقیه در حدود ۱ تا ۲ هکتار زمین دارند.

بعد از انقلاب، حدود ۲۲۰ هکتار زمین از بزرگ مالکان منطقه مصادره شد که در آنجا مقداری گندم و بینه کشت گردید و دهقانان محل نیز سهم خود را از محصول بدست آوردند. اراضی مصادره شده بدون استثناء دارای چندین حلقه جهاد هستند که آب لازم برای کشت را بطور کامل تامین میکنند. در تمام این زمینها میتوان بینه نیز کاشت. چون اکثر خانواده ها بی زمین و کم زمین هستند، جوانان ده بمنظور یافتن کار به شهر و نقاط دیگر

اهالی لوران (بندر جاسک) محیط سالم بهداشتی می خواهند



اهالی لوران مکان زندگیشان و نظامی کردن منطقه بوده است. با وجود همه این مشکلات، اهالی لوران به مقاومت خویش ادامه دادند و منازل خود را ترک نکردند. مسئولین پایگاه چون با مقاومت اهالی روبرو شدند، در حال عوارضات نام نویسی تعدادی از منازل مسکونی کردند. اما امکان آنرا اخراج کنند، ولی خوشحانه با پیروزی انقلاب شگوه مندم مردم ایران موفق به انگار

ندند. اینک مدت دو سال از انقلاب میگذرد، لیکن متأسفانه تا کنون مسئولین هیچ اقدامی برای تسخیر مسیر کانالها، که برای اهالی مطهر حذرت و سیاست طاغوت است، بعمل نیاورده اند. لازم است که بمنظور جلوگیری از ابتلا بیشتر اهالی به بیماری و ایجاد محیط سالم بهداشتی ضمن تامین امکانات درمانی و بهداشتی - برای روستای لوران هر چه رود تر این کانالها تعمیر میسر یابند.

بدون آنکه بدر بایرزد، رها شده است. بوی بدی از این فاضلاب، تمام فضای قریه را فرا گرفته و روستای لوران را به محیط پرورش انواع حشرات تبدیل کرده است. این خود موجب شیوع امراض مختلف از جمله مالاریا، تب حمیه و کج اطفال شده، و گواه آن اهالی لوران و اداره مالاریا و بهداشتی بندر جاسک است. هدف رژیم ضد مردمی و وابسته گذشته از ابتکار، اخراج

لوران قریه ای است که در دو کیلومتری بندر جاسک و در مجاورت ایستگاه نیروی هوایی واقع شده است. حدود ۹ سال است که فاضلاب منازل ایستگاه بوسیله سه لوله از ایستگاه خارج میشود، یک لوله آن از شرق روستای گذر و به دریای می رسد، ولی دو لوله دیگر از وسط روستا و انتهای غربی آن می گذرد. دو لوله مذکور با بست جاده و در مجاورت مدرسه و مسجد قریه بوسیله یک کانال حاکی کشنده شده و

بارها، چه در دوران طاغوت و چه بعد از انقلاب شکوهمندان، گفته شده، و یا به صورت طرح پیشنهادی در نشست‌هایی که به مناسبت‌های گوناگون تاتری، از قبیل شورا، سندیکا و یا سمینار تشکیل گردیده، از طرف ارباب هنر و اهل تئاتر عنوان شده است که تاتر برای این که مستقل باشد، باید خودکفا باشد.

این حرف، در بادی امر، نه تنها نامعقول به نظر نمی‌رسد، بلکه ظاهراً و به علت تشابه با برخی نظریات صحیح در رشته‌های اقتصادی شکلی انقلابی بخود می‌گیرد. ولی در واقع امر چگونه؟ آیا قیاس مع الفارق صورت نمی‌گیرد؟ در این زمینه‌ها بی‌جا نیست به بحث نشست و با کم و کیف مطلب، دقیق‌تر و رها از ذهن‌گرایی آشنا شد و عقاید و نظریات گوناگون را به نقد گذاشت. مثلا بد نیست، برای برخورد واقع‌بینانه به مسئله خودکفائی مالی تاتر، قبل از هر چیز نگاهی گذرا به نحوه تقسیم‌بندی دست‌اندرکاران تاتر بیفکنیم.

عده قابل‌توجهی از هنرپیشگان، کارگردانان و دیگر فعالان تاتر جذب موسسات هنری دولتی شده‌اند، که اخیراً بخشی از این گروه، در شکل اداری، از بقیه همکاران خود جدا شده‌اند. همه علاقمندان به هنر تاتر و بویابی و تنوع آن امیدوارند که این جدایی به نفع گیری کلی از "حرفه" منجر نشود. در حال حاضر متأسفانه یاور چنین امری، لااقل به اینس زودی‌ها نمی‌رود، اگر چه باید دانست که در بسیاری از کشورهای متزقسی، هنرمندانی که مسئولیت‌های اداری و نقش سازماندهی به عهده می‌گیرند، ابتدا از حرفه و از هنر خویش جدا نمی‌شوند.

دسته دوم شامل گروه‌های آزاد تئاتر است. این گروه‌ها از نظر افراد شکل ثابتی ندارند، بدین معنی که امکان دارد اعضاء این گروه‌ها از بین دانشجویان، کارمندان، صاحبان مشاغل آزاد و یا هنرپیشگان حرفه‌ای باشند. بنابراین در این‌جا بیشتر شناسنامه هنری گروه مطرح است تا افراد. در همین دسته شاید بتوان تئاتر دانشگاهی را نیز جای داد که بخش دیگری از تئاتر ماست، اگر چه در حال حاضر به علت تعطیل دانشگاه‌ها فعال نیست. در نتیجه، بهترین سمار، از بین دانشجویان هنرمند در دل گروه‌های آزاد فعالیت می‌کنند. و بالاخره حرفه‌ای‌ترین بخش تئاتر ما، با توجه به مفهوم اصیل واژه، "تئاترهای لاله‌زار" است: تئاتر لاله‌زاری!

پدیده چند سویه و جالب و ویژه‌ای که شایسته است بیامون نقش و عملکرد و وسایل کار و نتایج هنری آن به تفکر و نتیجه‌گیری نشست. رژیم گذشته، به علت خطت ضد مردمی خود، هرگز "تئاتر لاله‌زاری" را جدی نگرفت، مگر به منایب وسیله‌های برای تحقیر، گرامی، اشاعه فساد و تباهی و ترویج استبداد و بی‌خبری، اما، در اعماق خود، این تئاتر بیش از بخش‌های دیگر با مردم در تماس بوده و آنها را به خود جلب می‌کرده و تحت تاثیر قرار داده است. این تئاتر در شرایط سلطه رژیم ترور و اختناق و

سیاست ضد فرهنگی و اقتصادی وابسته‌به‌آن، به معنای واقعی و اصل "مردمی" نبوده است، ولی بالقوه می‌تواند نقش هنری، تربیتی، اجتماعی و معرفتی موثری را، در صورت برخورد ریشه‌ای و انقلابی با آن، ایفا کند.

انقلاب شکوهمندان به رهبری امام خمینی، برخلاف تبلیغات سوء بداندیشان و علی‌رغم ندانم‌کاری‌ها، با برخوردهای قشری تنگ‌نظرانه می‌تواند این گوشه از هنر نمایی کشورمان را هم، که باید به صورت مرکزی فرهنگی و بر تحرک درآید، بی‌نصیب نگذارد و از هم‌اکنون می‌رود که تاتر انقلابی، با دستگیری هنرمندان راستین توده‌ها

در مسئله خودکفائی مالی، برخی‌ها، بدون توجه به شرایط خاص هر سیستم، فتوا می‌دهند که چنان‌چه هنرمند حقوق بگیر شد، تنبلی می‌شود، از خلاقیت می‌افتد، فرسوده می‌شود و کارمندی‌شود... آنها زمینه اجتماعی و جوان‌انقلابی را به کلی نادیده می‌گیرند. در حالی که چنین پدیده‌ای را نمی‌توان هرگز جدا از شناخت دقیق و کامل جامعه و سیستم حاکم بر آن بررسی کرد. این‌گونه مطلق‌گرایان، که با آن‌همه شتاب حکم صادر می‌کنند، قاعدتا به عنوان "الگو"، مثلا به اروپای غربی و یا آمریکا چشم می‌دوزند. ولی حتی با این معیار هم آن‌ها اشتباه می‌کنند. مثلا در کشور

محله پیکادلی)، یعنی مرکز توریستی و تفریحی، که لنگرگاه و قبله‌گاه آنها بوده، "خودکفا" هستند! این برای ما الگوی قابل تقلیدی نمی‌تواند باشد. آن‌ها طبیعتاً برای جلب مشتری و تأمین گیسه، "نبض بازار" را درمی‌یابند. برای آن‌ها معیار اصلی "سود" سرمایه‌داری است و به آنچه توجهی ندارند، ضرورت‌های فرهنگی، ارزش‌های هنری و شیوه‌های رشد معنوی جامعه است. البته در جامعه سرمایه‌داری چنین برخوردی با هنر تئاتر اصلاً عجیب نیست.

برعکس، در کشورهای ضد امپریالیستی و مترقی، هنرمندان حقوق دائم و ثابت دارند، از نظر

خودکفائی مالی تاتر در ایران یا کمک مالی وفنی دولت به تاتر

کهنه امپریالیستی انگلستان، که برخی از مشهورترین تئاترهای دنیا را هم دارد، از زمانی که دولت محافظه‌کار مارگرت تاچر به روی کار آمده و قسمت عمده بودجه فرهنگی، از جمله تئاتر را، به بهانه بحران مالی - همان‌طور که از آثار بدیبهی سیستم سرمایه‌داری است - قطع کرده است، تئاتر بر سابقه این کشور رو به افول گذاشته است. باید یادآور شویم که اکثر گروه‌های خوب تئاتر این کشور، با کمک هزینه‌هایی که از بودجه دولتی برداخت می‌شد، به اصطلاح سرپا بوده‌اند. از طرف دیگر، باید در نظر گرفت که به علت فرهنگ خاص اروپایی، که موضوعی

برسوط به تاریخ و شرایط اجتماعی این قاره، برخورد مردم با تئاتر چیزی است دور از تصور و تجربه تئاتر ما. مثلاً می‌بینیم بعضی از نمایش‌ها بیش از یک ربع قرن روی صحنه می‌ماند و یا اگر یک تئاتر یا یک گروه کوچک آماتور برای انتخاب هنرپیشه آگهی کنند، صدها داوطلب مشتاق مراجعه می‌کنند. آیا با چنین اختلاف فاحشی در امکانات و شرایط می‌توان بر راه‌حل‌های واحد و تقلیدی دلخوش کرد؟

در کشور ما، بعد از انقلاب بزرگی که باید در همه جوانب زندگی معنوی مردم ما تحولی زرف‌و‌دگرگونی همه‌جانبه بوجود آورد، بوسازی و دگرسازی هنر تئاتر نمی‌تواند بر سالدوده عقیدتی "خودکفائی مالی تئاتر" استوار گردد. میهن‌انقلابی ما نمی‌خواهد به بیراهه بر خار و بر گودال سرمایه‌داری برود و هنر وسیله بول‌اندوزی شود. اگر هم غرب‌زدگان ما، لیبرال‌های طرفدار "آزادی" هنر، و در واقع بی‌بند و باری آن، دلیل بیاورند که اکثر تئاترهای حرفه‌ای لندن (اطراف

و وابسته به مردم و شیفته مردم، در تئاتر لاله‌زاری نیز احیاء شود.

همه می‌دانند که در رژیم وابسته گذشته، برخی از روشنفکران، گاه به علت عدم توانایی در درک‌وارزیابی مسائل، و گاه به سبب علائق طبقاتی، در دام فرهنگ تحمیلی مسلح‌کننده و وابسته‌کننده سرمایه‌داری امپریالیستی می‌افتادند. به‌نظام بررسی موضوع موردبحث، در افق آینده می‌توان این گروه از روشنفکران وابسته را، که آگاهانه در خدمت فرهنگ سرمایه‌داری و نظام طاغوت بودند، به کناری نهاد - آن‌ها دشمن انقلاب‌اند و انقلاب نیازمند آن‌ها نیست. صحبت می‌تواند از گروهی باشد که سیستم گذشته آن‌ها را از شناخت درست مسائل دور می‌ساخت، آنها را از مردم و از خودشان و از هنر اصیل انسانی بیگانه می‌ساخت. برخی از اینان، متأسفانه، مسائل را اغلب با معیارهای جوامع سرمایه‌داری می‌سنجیدند و می‌سنجند. برخی دیگر از اینان، به علت عدم درک شرایط و برداشت نادرست از واقعیت اوضاع، به ذهن‌گرایی کشیده‌شده‌اند و هم‌اکنون نیز از افسون‌های آن برکنار نیستند. در زمان حاضر، به علت محیط حاکم بر گذشته تئاتر و زندگی هنرمندان و به علت نداشتن جهت درست فکری، خطر آن‌که بسیاری از آن‌ها در دام اندیشه‌های لیبرالی بی‌افتند و منافع عالییه انقلاب را درک نکنند و جای خود را در کنار خلق خود به فوریت و با قاطعیت نیابند، کم نیست.

در چارچوب و بر زمینه همه این مسائل است که باید مسئله خودکفائی مالی تئاتر یا ضرورت کمک مالی و فنی دولت را به تئاتر مطرح ساخت.

این مفهوم، تنها تئاتر حرفه‌ای به معنای رایج آن، یعنی تئاتری که از طریق گیسه‌اش تأمین شود، در کشور ما، تئاترهای لاله‌زار است. عمده‌ترین ضابطه‌های که تاکنون نیز بر این تئاترها حاکم است، بدون تردید، اصل سودجویی سرمایه‌داری است. اگر چه تاکنون تدابیری در جهت کوتاه کردن دست غارتگران اتخاذ شده است، ولی "تاجر هنری" صاحب سرمایه، در رشته نمایش، با استخدام نیروی کار هنرپیشگان و استعدادها و خلاقیت‌های کارگران و هنرپیشه و مدیر صحنه و نقاش و خیاط و نورپرداز و... استفاده از "ارزش تجاری" نام و سابقه آن‌ها، با استخدام گروه فنی و مدیران سازمان‌دهندگان و مستخدمان، سرمایه‌گذاری می‌کند. برای او هنر، پیام هنری، محتوای هنر، مطرح نیست، اگر هم مطرح شود، تنها در آن مقطع و تا آن اندازه که "چقدر سودآور است".

بدین ترتیب، تا شرایط و معیارهای موجود در این بخش از بنیاد تغییر نکند، نمی‌توان مدعی تغییر کیفی در این تئاتر شد. و البته کمترین و بی‌ارزش‌ترین ضابطه اجرایی برای یک چنین تغییر کیفی، همین "سودآور بودن"، "خودکفا شدن" و تأمین تئاتر از طریق گیسه است. برای جامعه انقلابی و محیط هنری نوپایی که باید ایجاد گردد، مهم آن است که تئاتر، این هنر

باستانی و همیشه جوان، این هنر که کشور ما دارای آن‌همه سنت‌های برپار و اشکال بدیع در آن است، به‌طور عمده به‌منابه یک نهاد فرهنگی انسان ساز، و هر نمایش تئاتری، به منایب یک عمل هنری تحول بخش و آفریننده، درک و تلقی شود، نه انحصاراً به عنوان وسیله کسب لذت و وقت‌گذرانی یا استراحت و تفریح. اگر چه تئاتر واقعی و همه‌جانبه رشد یافته، از هسته‌های انسانی و درست این‌گونه عوامل نیز تهی نیست، ولی ابتدا به آن محدود نمی‌شود.

ضابطه‌های یک جامعه انقلابی، "ارزش‌های" به‌کلی دیگری را - جدا از جامعه سرمایه‌داری - مدنظر دارد. ادعای استقلال تئاتر، آزادی و شکوفایی تئاتر، از طریق "خودکفائی مالی"، آن‌هم با فروش بلیط، تنها یک ذهن‌گرایی است. علاوه بر آن، وظیفه اساسی معنوی و روشنگری تئاتر و رساندن پیام انقلاب در والاترین شکل هنری آن، با این خودکفائی سرمایه‌داری انجام‌شدنی نیست. طرح مسئله "خودکفائی مالی" تئاتر و "آزادی" بی‌بندوبار و بول‌دراور آن، خواسته یا ناخواسته رنگ‌وبویی از تراویات اندیشه‌های لیبرالی دارد و به درد جامعه انقلابی ما و شکوفایی هنر خلقی تئاتر نمی‌خورد.

نتیجه می‌گیریم که: در جامعه‌ای سالم و انقلابی و خواستار اعتدالی معنوی، جز (۱) با کمک مالی و فنی دولت، (۲) بر شالوده نظام شورایی متکی بر هنرمندان و دست‌اندرکاران تئاتر در هر واحد، (۳) تکیه بر برنامه‌های مردم و (۴) برپایه یک برنامه وسیع و دقیق هم‌رشته‌های هنری و تکامل آن، به پیوند با نیازهای رشد همه‌جانبه اجتماع ما، برپایی تئاتری راستین میسر نیست.

حزب امریکائی «خلق مسلمان» فعالیت خود را در تبریز تشدید کرده است

همزمان با تدارک توطئه هفتم امپریالیسم امریکائی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و تشدید حملات ضدانقلاب داخلی، حزب امریکائی "خلق مسلمان" نیز فعالیت خود را در تبریز تشدید کرده است. این حزب فعالیت خود را در محلات فقیرنشین چون خیابان شمس تبریزی و کوی مجاهدین متمرکز کرده است. در این محلات "خلق مسلمان" "علناً بر دستاوردهای انقلاب و رهبر انقلاب‌ها انت می‌کنند، بر اساس اطلاعات رسیده،

بیش از آنکه مردم انقلابی تبریز بساط ضدانقلابی حزب به اصطلاح "خلق مسلمان" را درهم بشکنند، سرمایه‌داران رنوبازاریان وابسته‌به‌این حزب، اجناسی را که خودا حتکا رکرد هی‌بودند، برایگان و با با قیمت‌نازل بین اهالی این مناطق پخش می‌کردند، اجناسی که (بودر، روغن نباتی، برنج و...) در محلات دیگر اصلاً یافت نمی‌شد. آن‌ها با این شیوه می‌کوشند با یگانگی برای فعالیت‌های ضدانقلابی خود در این منطقه بدست‌آورند.

در حال حاضر وابستگان این حزب ضدانقلابی به اشکال مختلف در میان مردم تبلیغات ضد-انقلابی می‌کنند و می‌کوشند با اغلال در امور مختلف، از جمله تشکیل شوراها و کنترل و توزیع ارزاق توسط سازمان بسیج مستضعفین مردم را نسبت به انقلاب و رهبری آن بدبین کنند. کار این حزب ضدانقلابی و عمال آن به جایی رسیده است که وقتی کارخانه‌چندسرمایه‌دار فراری (از جمله کارخانه‌آرذساری شمس آذر) از طرف دادگاه انقلاب تبریز مصدوره شده، سرمایه‌داران

طاغوتی شرا اقدام به انتشار اعلامیه علیه آن کردند. در این اعلامیه که سرایسا اهانته نظام جمهوری اسلامی و رهبری انقلاب بود، از مصدوره کارخانجات متعلق به سرمایه‌داران وابسته و تقسیم اراضی در روستاها بعنوان اقداماتی برخلاف "نص صریح قرآن و اسلام" نام برده شده است. ما توجه مقامات انقلابی و مسئولان راب این مساله جلب می‌کنیم و خواهان سرکوب قاطعانه عوامل این حزب امریکائی هستیم.



ماهیت و شیوه عمل صندوق بین المللی پول

کمک مالی به
حزب توده ایران،
یک وظیفه انقلابی است!

بمناسبت تولد پیروز ۲۰۰۰ ریال
اهدائی، مرضیه، سکه بهار آزادی
جمع آوری شده در جشن عروسی
ر. دانش ۱۲۰۰۰۰ ریال
ت.ب ۲۰۰۰ ریال
آرش و آذرخش ۵۳۵۰ ریال
ع. نورانی ۱۰۰۰۰۰ ریال
م. از دبیرستان پوراندخت
۱۰۰۰ ریال
سپنا ۱۰۰۰ ریال
بانو خ از تهران ۱۰۰۰ ریال
الهردی، ج ازمیانه ۵۰۰۰ ریال
ماندانا ۱۵۰۰ ریال
سودابه ۲۰۰۰ ریال
ح.ح از رشت ۱۰۰۰۰ ریال
جشن عروسی «ی» و همسرش
ریال ۵۲۶۷۰ ریال
از دانشکده علوم اجتماعی - دو
حلقه الکترو طلا و یک حلقه
انگشتری و یک عدد سکه ربیعی
نازلی ۱۰۰۰۰ ریال
ر. از برلین غربی ۱۲۰ مارک
هدیه عروسی، س نیم سکه طلا
چندین از رفتای درگز ۶۶۰۰ ریال
آ. ون، از تایباد ۱۷۵۰ ریال
چند نفر از رفتای تایباد ۴۶۰۰ ریال
ت.ج. ۳۳۰۰ ریال
اکبرپنه کلاهی از ساری ۵۰۰ ریال
ا. ش. از کسما ۱۰۰۰ ریال
دختران دانش آموز شهرستان
انزلی ۱۵۰۰ ریال
روزبه کوچک از بندر انزلی
ریال ۵۰۰۰

علاقتمندان می توانند کمک
مالی خود را بحساب بانکی
به نام تقی کرمش و به شماره
۳۹۸۸ شعبه ۴۱۸ بانک ملی
ایران (شعبه دهخدا)، خیابان
شهبه دکت حسین فاطمی
بپردازند.

صندوق بین المللی نیست، بلکه تشنه رقابت و زور آزمائی
انحصارات و دول امپریالیستی بر سر دائره نفوذ است.
از حق برداشت مخصوص، به منظور تامین موازنه
در مبادلات بین المللی و پرداختهای ارزی دول عضو و
محاسبات پولی - مالی بین آنها استفاده می شود. هدف
ایجاد «حق برداشت مخصوص» سالم سازی سیستم
پولی سرمایه داری و رفع بحرانیهای ارزی بسود دول
امپریالیستی بود. اما این اقدام نیز نتوانست مشکلات
مالی پولی دول امپریالیستی و جهان سرمایه داری را
برطرف سازد. از آنجا که «حق برداشت مخصوص»
واحد پولی فاقد ارزش و تضمین واقعی است، بکاربردن
آن، در شرایطی که حقوق اکثریت قاطع دول عضو
در صندوق بین المللی پول بسود قلیلی دول امپریالیستی
نقض می گردد، بجای رفع بحرانیهای مالی پولی، بر شدت
آنها افزوده و می افزاید. یکی از تشنه های آشکار
این بحران، تزلزل اعتبار پول های دول امپریالیستی در
مقیاس جهانی است.

تشدید بحران سیستم مالی - پولی در جهان
سرمایه داری، نقض مداوم موازنه پرداختها، تغییر تناسب
نیروها بین دول امپریالیستی در زمینه غارت ثروت و
استثمار کشورهای در حال رشد، منازعات و برخوردها
های دول امپریالیستی را حاد و حادث می سازد. سیستم
مالی - پولی که در برتن و دژ پایه گذاری شد، عملا از
سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) موقوف شده و جای خود را به
«فرخهای شناور» (یعنی نرخهایی که به تناسب عرضه
و تقاضا در بازار جهان ارز نوسان پیدا می کند) داده
است. لیکن «فرخهای شناور» نیز نتوانسته بحران مالی -
پولی امپریالیسم را، که از ماهیت غارتگرانه و سلطه
جویانه آن ناشی می شود، برطرف سازد.

فعالیت صندوق بین المللی پول در شرایط سلطه
معدودی دول امپریالیستی، بسرگردگی آمریکا، بر
این صندوق، متوجه توسعه عرصه غارتگری سرمایه
های انحصاری، ایجاد تورم در گردش پول و دامن زدن
به تشنج در مناسبات مالی - پولی و تشدید غارت و
وابستگی کمک گیرندگان از صندوق بسود دول
قرض دهنده است. در تحلیل نهایی، صندوق بین المللی
پول در شرایط کنونی، همان ماهیت بانکهای امپریالیستی
را دارد، مضافا به اینکه، این صندوق یک بانک ماوراء
انحصاری جهانی است، که نقدینگی مختصر کشورهای
عضو در حال رشد را نیز بسود منافع سرمایه های عظیم
مالی امپریالیستی مورد بهره برداری قرار می دهد.

آنها انجام می دهد. از راه سلطه بر منابع پولی و ذخایر
ارزی کشورهای عضو، صندوق بین المللی پول در تعیین
سیاست اقتصادی این کشورها دخالت میکند و بخصوص
کشورهای قرض گیرنده را به تار عنکبوت سازمانهای
مالی بین المللی امپریالیستی می کشاند. از این شبکه
است که دول امپریالیستی و در راس آنها آمریکا به
حساب منابع مالی و پولی کشورهای فقیر ارتقا می -
کنند و فریه و فریبه می شوند.

در دوران فعالیت ۳۵ ساله صندوق بین المللی پول،
ایالات متحده آمریکا بزرگترین نفع را از این سازمان
مالی - پولی بین المللی بدست آورده است. دولت
آمریکا بویژه با استفاده از نقش برتر خود در صندوق،
بسود تحکیم مواضع پول خود - دلار - و حفظ آن به
عنوان عمده ترین ارز در جهان سرمایه داری وسیعاً کمک
گرفته است. از این راه بخش مهمی از بار سنگین
تورم دلار به دوش کشورهای فقیر و در حال رشد
تحمیل گردیده است.

یکی از مسائل بفرجه در روابط بین دول امپریالیستی
و بین دول امپریالیستی و کشورهای «جهان سوم»، مشکلات
کسرو موازنه پرداختهاست که، در شرایط بحران مزمن
سیستم مالی - پولی امپریالیسم، همچنان رو به گسترش
می رود. تصمیمات متخذه صندوق بین المللی پول در
رفع این مشکل همواره متوجه تامین منافع دول
امپریالیستی و نادیده انگاشتن منافع مالی - پولی
دیگر کشورهای عضو بوده است.

صندوق بین المللی پول به منظور حل مسئله عدم
موازنه پرداختها، سیستم واگذاری اعتبارات متقابل را،
بر مبنای ایجاد واحد پولی مشروط یا «حق
برداشت مخصوص» Special Drawing Right
بکار گرفته است. «حق برداشت مخصوص» به
عنوان وسیله احتیاطی در محاسبات بین المللی بکار
گرفته شده و بشکل یادداشت هایی در حسابهای مخصوص
دول عضو در صندوق بین المللی پول نگاهداری میشود.
«حق برداشت مخصوص» ابتدا با دلار برابری
داشت. لیکن از اول ژوئیه ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) یعنی پس
از کاهش ارزش دلار در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰)، این
برابری تغییر یافت. از آن زمان ارزش «حق برداشت
مخصوص» بطور غیر مستقیم بر مبنای برابری ارزهای
کشورهای امپریالیستی («سید ارزی») معین می گردد،
که سهم دلار تقریباً ۱/۳ آن را تشکیل می دهد.
چنانکه دیده می شود، تعیین «حق برداشت
مخصوص» نیز بیانگر تامین منافع کشورهای عضو

مجلس شورای اسلامی ایران در جلسه روز
سه شنبه ۹ دیماه ۵۹ خود، ماده واحده مربوط به
افزایش سهم ایران از ۶۶۰ میلیون واحد حق برداشت
مخصوص به ۱۰۷۵۰ میلیون واحد حق برداشت مخصوص
در صندوق بین المللی پول را رد کرد.
این اقدام مجلس ضربه جدیدی است که از
جانب انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران به
سیستم جهانی غارت امپریالیستی وارد می آید.
به منظور آگاهی بیشتر خوانندگان نامه «مردم»
ما در زیر به تشریح ماهیت و شیوه عمل صندوق
بین المللی پول می پردازیم:

صندوق بین المللی پول سازمان پولی - اعتباری
دولتی است که هدف آن، ثبات مبادله بین المللی و
تامین توازن بازرگانی در بازار جهانی سرمایه داری است.
صندوق عهده دار تنظیم روابط پولی بین دولتی عضو
است و از طریق واگذاری اعتبارات کوتاه مدت به آنها،
مشکلات ارزی را، که در نتیجه اختلال در موازنه
پرداخت های دول عضو بوجود می آید، مرتفع می سازد.
صندوق بین المللی پول بنا به تصمیم کنفرانس
مالی - پولی منعقد در برن و دژ (آمریکا) در سال
۱۹۴۴ میلادی (۱۳۲۳) ایجاد شد و فعالیت خود را از
سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۶) آغاز کرد. تا سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶)
۱۲۹ دولت به عضویت صندوق بین المللی پول در آمده اند.
مرکز اداری صندوق در واشنگتن، پایتخت ایالات متحده
آمریکاست.

در سرمایه گذاری صندوق بین المللی پول نقش
عمده از آن معدودی دول امپریالیستی و در راس آنها
ایالات متحده آمریکا است، بطوریکه هفت دولت عمده
امپریالیستی: آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان فدرال،
ژاپن، کانادا و ایتالیا بیش از نصف کل سرمایه
صندوق را در اختیار دارند. در این میان آمریکا ۲۰
درصد سهام و همان میزان آراء صندوق را در اختیار
دارد، که بوی امکان می دهد نقش انحصاری عمده ای را
در تصمیمات مالی - پولی صندوق ایفا کند. سهم کشور
های در حال رشد در صندوق بین المللی پول، با اینکه
قریب ۹۰ درصد اعضاء را تشکیل می دهند، بسیار ناچیز
است و حتی به ۱/۳ کل سهام نیز نمی رسد.

صندوق بین المللی پول یک مکانیسم عظیم انحصاری
ما فوق دولتی در حیطه مناسبات مالی - پولی در جهان
سرمایه داری است. صندوق عملاً وظیفه تمرکز منابع
پولی از همه دول عضو، بویژه دول کشورهای در حال
رشد را، بسود عظیم ترین انحصارات امپریالیستی و دول

پشتیبانی رهبر یمن دمکراتیک از پیشنهادهای اتحاد شوروی برای تامین صلح و امنیت در خلیج فارس

علی ناصر محمد، رهبر جمهوری دمکراتیک خلق یمن، اعلام
کرد که اقدام برای اجرای پیشنهاد اخیر اتحاد شوروی در مورد
برقراری امنیت و عدم مداخله قدرتهای خارجی در خلیج فارس، اهمیت
زیادی دارد.
علی ناصر محمد، خطاب به گروهی از افسران ارتش خلق گفت
که ابتکارهای سازنده اتحاد شوروی، می تواند شالوده محکم صلح
و امنیت در خلیج فارس قرار گیرد.

بلکه آن دستهایی را هم که چنین
افزادی را برمسندهای حساس
نشانده اند، شناخت. باید دید
چه کسانی نیک خاق عامل ساواک
را به معاونت وزارت بازرگانی
رسانند، تا علیه جمهوری اسلامی
ایران توطئه کند؛ چه دستهایی در
کار بود که جلیل شرکاء دوستو
همکار هوشنگ انصاری را، پس از
انقلاب، بر راس بانک مرکزی
نشانند، که امروز در خارج از
کشور علیه انقلاب فعالیت می -
کنند؛ کدام دست الماسی را با
آن «سوابق» بر راس بانک ملی
قرار داد، که بیبانه ماموریت از
کشور گریخت. و سرانجام باید
دید چه کسانی مرزها را برای
گریز عناصر ضد انقلابی گشودند.
باید سوابق کلیه مقامات،
بویژه مقامات حساس کشوری و

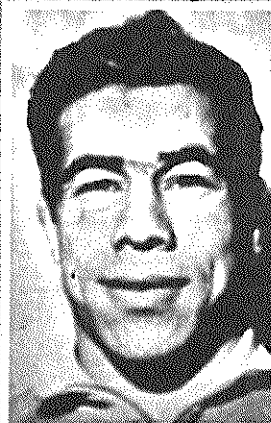
تقاضای «کارت سبز» کرد تا
«شهروند مفید آمریکا» باشد!
و این «شهروند مفید آمریکا»،
چون صدور «کارت سبز» را دور
و پیروزی انقلاب را نزدیک دید،
نقاب انقلابی برچهره آویخت و
خود را برمسند وزارت کشاورزی
انقلاب جای داد. زمانی هم که
چهره واقعی اش قش شد و از
مسند وزارت برکنار افتاد، عطای
انقلاب را به لقایش بخشید و راهی
آمریکا شد تا «شهروند مفید
آمریکا» بودن را اثبات کند.

همین یک نمونه، اگر هم
نخواهیم برعهدها و غرضها و
دستهای مرئی و نامرئی که در
کار بوده اند، تکیه کنیم، چقدر
بی اعتنائی نسبت به سرنوشت
انقلاب، چقدر ساده دلی و خوش -
بازری میخواهد، تا راه بر چنین
عناصری بگشاید.
امام خمینی میگوید:
«... ممکن است گاهی ساده
فکر کنند و یک کسی را که درست
نمی شناسند، سوابقش را درست
اطلاع ندارند و همانطوری که
خودش را ظاهر سازی میکند،
گول بخورند و وارد بکنند.»
ذخیره امپریالیسم هنوز پیاوان
نیافته است. نباید غافل بود که
علی محمد ایزدی ها، امیرانتظامها
و فریه ها، مقدم مرآه ای ها، علوی ها،
مدنی ها، با نامهای دیگر، سوابق
دیگر و عملکردهای دیگر در
صفوف انقلاب وجود دارند. باید
هشیار بود، نباید نه فقط این
خطرهای بالفعل و بالقوه را،

ضرورت پاکسازی... پتیه از صفحه ۱

های ضد امپریالیستی یکی نیست
و گوناگون است. ما در کشور
خود گواه آن بودیم که، زمانیکه
شاه ملعون نتوانست انقلاب را
سرکوب کند، بختیار با سیمای
«انقلابی» و شیوه عمل متفاوت با
سواک، به صحنه آمد. وقتی که
درایت امام خمینی، بختیار را نیز
از صحنه خارج کرد، امپریالیسم
عوامل دیگر خود را بنام عناصر
«انقلابی» در راس مقامات حساس
انقلاب (نزیه، امیرانتظام، مقدم
مراغه ای، دریادار علوی، دریادار
مدنی) نشانند. و زمانی که اسناد
جاسوسخانه بدست آمد و این
چهره های پلید، بی نقاب شدند،
امپریالیسم از خورجین، مارهای
خطرناک ریز و درشت سولی هنوز
ناشناس - دیگری بیرون کشیده
و بحران انقلاب انداخته است.
هرگز نباید رسوائی چندمهره
را بمعنای پایان یافتن «خواب»
امپریالیسم دانست. مهره های دیگر
با چهره های دیگر و شیوه های
عمل دیگر... و همین ها هستند که
آرام و خزانده در صفوف انقلاب
رخنه میکنند و بر حسب ضرورت
و تواناییهای خود، انقلاب را به
سوئی میکشند که امپریالیسم
می خواهد.
امام خمینی در دیدار راهب
تحریری مجله سروش میگوید:
«شما میدانید که الان اینهایی
که انحراف دارند، مشغول فعالیت
هستند، هر چه جانی پیدا شود،

جهان پهلوان تختی از یاد نمی رود



دیروز به مناسبت سالگرد شهادت جهان پهلوان تختی، ورزشکاری که جان خود را در مبارزه بر ضد رژیم خائن پهلوی از دست داد، مراسمی بر مزار وی برگزار شد. تختی همواره الهام بخش همه ورزشکاران شریف و مین دوست ایرانیست. خاطره اش گرامی باد!

به خواستهای رانندگان اتوبوس بابل - آمل رسیدگی کنید

ساحبان اتوبوس و رانندگان بنگاه اتوبوسرانی بابل - آمل و حومه، طی نامه ای به فرماندار بابل، از نارساییهای موجود در توزیع روغن موتور اتوبوسها کله کرده و خواهان رسیدگی به این مسئله شده اند. این بنگاه که با ۵۵ دستگاه اتوبوس، در خطوط بابل - آمل و بابل - بندپی فعالیت می کند و بیش از ۲۰۰ روستای بزرگ و کوچک را زیر پوشش خود دارد، از مدتی پیش با کمبود روغن ماشین مواجه است. کمبود روغن بحدی بود که رانندگان تصمیم به خواباندن اتوبوسها گرفته اند. زیرا بدلیل نرسیدن روغن موتور، چند ماشین سوخت، ولی با هشیاری مقامات مسئول، از جمله فرماندار بابل، و توزیع روغن در سطح شهر، از این عمل جلوگیری شد. ساحبان اتوبوس و رانندگان بنگاه اتوبوسرانی بابل - آمل در نامه خود، ضمن تأیید توزیع روغن توسط ستاد سوخت رسانی، به شیوه اجرای آن که باعث می شود روغن بجای لتری ۵۰ ریال بقیمت ۷۵ ریال بدست آنجا برسد، اعتراض دارند. آنها پیشنهاد کرده اند که برای حل این مشکل و گرفتن بهانه از دست ضدانقلاب، در کنار ستاد سوخت رسانی، شورائی از مسئولان بنگاههای مختلف اتوبوسرانی و مینی بوسرانی و رانندگان کامیون و مسئولین مربوطه بوجود آید، تا مشکلاتی را این نوع، بدست خود آنان حل شود.

گرفتند، زیرا بدلیل نرسیدن روغن موتور، چند ماشین سوخت، ولی با هشیاری مقامات مسئول، از جمله فرماندار بابل، و توزیع روغن در سطح شهر، از این عمل جلوگیری شد. ساحبان اتوبوس و رانندگان بنگاه اتوبوسرانی بابل - آمل در نامه خود، ضمن تأیید توزیع روغن توسط ستاد سوخت رسانی، به شیوه اجرای آن که باعث می شود روغن بجای لتری ۵۰ ریال بقیمت ۷۵ ریال بدست آنجا برسد، اعتراض دارند. آنها پیشنهاد کرده اند که برای حل این مشکل و گرفتن بهانه از دست ضدانقلاب، در کنار ستاد سوخت رسانی، شورائی از مسئولان بنگاههای مختلف اتوبوسرانی و مینی بوسرانی و رانندگان کامیون و مسئولین مربوطه بوجود آید، تا مشکلاتی را این نوع، بدست خود آنان حل شود.

گرفتند، زیرا بدلیل نرسیدن روغن موتور، چند ماشین سوخت، ولی با هشیاری مقامات مسئول، از جمله فرماندار بابل، و توزیع روغن در سطح شهر، از این عمل جلوگیری شد. ساحبان اتوبوس و رانندگان بنگاه اتوبوسرانی بابل - آمل در نامه خود، ضمن تأیید توزیع روغن توسط ستاد سوخت رسانی، به شیوه اجرای آن که باعث می شود روغن بجای لتری ۵۰ ریال بقیمت ۷۵ ریال بدست آنجا برسد، اعتراض دارند. آنها پیشنهاد کرده اند که برای حل این مشکل و گرفتن بهانه از دست ضدانقلاب، در کنار ستاد سوخت رسانی، شورائی از مسئولان بنگاههای مختلف اتوبوسرانی و مینی بوسرانی و رانندگان کامیون و مسئولین مربوطه بوجود آید، تا مشکلاتی را این نوع، بدست خود آنان حل شود.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

**NAMEH
MARDOM**

No. 414
8 January 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صدوق پستی
۱۴/۳۵۵۱، منطقه
پستی تهران

شوخی نیست...!

فریدون تنکابنی

اندر شناخت لیبرال و احوال وی

... و لیبرال، بروزن شیرمال، تاجری است با ترازوی نامیزان، از انقلاب سرخورده و پشیمان، و از وضع روزگار آزرده و پریشان. رنکری است که خنایش رنگی ندارد، باز هر لحظه تخم نیرنگی کارد و دام فریبی به میان آرد، گز اصفهان مخل سلامت و قطاب یزدی به دور از حلاوت. سیاست راه، هر روز در پیام و قعود، و عبادت راه، هر شب در رکوع و سجود، لکن بهر سود، لچوج و عنود، و سرمایه هر دم در عروج و صعود. برادری را بی برابری خواهد. بر تعارف افزایش و از مبلغ کاهد. از بهر آزادی گریان و نالان، و از انقلاب بیمنانگ و هراسان. برای آزادی اشک تمساح ریزد و با انقلابیون جسور و گستاخ، نه شاخ به شاخ، بل موزیانه ستیزد. از وحدت خلق بیزار است و پراکندگی و دشمنی را خواستار، تا باز بر خر مراد سوار شود و بر سر خلق هوار گردد.

هر دم تفرقه اندازد، و نرد حیل و نیرنگ باز، و تخم عداوت و کینه کارد، شاید آب رفته به جوی باز آرد. بیت:

آن که شیران را کند روبه خصال
لیبرال است، لیبرال است، لیبرال
«خطر کمونیزم» را همه وقت و همه جا سراغ کند و آن را چماق کند و بر فرق خلاق نوازد و طریق «القاء ایدئولوژی» هموار سازد.

و بورژوا لیبرال، جانوری است اهریمن خصال که نیندیشد جز به جمع مال و گردآوردن اموال، از هر مخرج و غیرحلال. با سرمایه دار وابسته در یک جوال و فی الواقع سگ زردی است برادر شغال.

در ظاهر موجودی است قشنگ و شیک، و دوستدار فرنگ و آمریکا، (همراه قافله، اما با دزد شریک). جز از آزادی سخن نراند، و برای آزادی یقه دراند، و پستان به تور چسباند، و اشک حسرت از مژه چکاند. لیک از کلاه دوزی، پهنم زدن داند، و خود کامکی را آزادی خواند.

سود و سرمایه اش بیش، و از بهر آن همواره در تشویش. مرادش از آزادی، آزادی خویش. دشمن دهقان و کارگر و پیشه ور، و از حکومت مستضعفان آزرده و پکر. مسلمانی اش به تسبیح و ریش، نه به بهبود حال خلق پریش.

پولم از پارو اگر بالا رود،
باز خواهم باز افزون تر شود.
بهر من آزادی غارت خوش است،
انقلاب خلق «آزادی» کس است.
هر زمان صد مگر وافسون می کنم،
باری، از لازم شود خون می کنم.
گر که از در رفت آن آقا «سیه»
گویمش: از پنجره جاتم بیا!
ترسد که انقلاب شمشیر عدالت بردارد، و آنچه فرو برده، از حلقوش بر آرد، که معاذالله (بل ان شاء الله) اگر چنین شود، بیدرتک جان سپارد.
مصرع: پول است نه جان است که آسان بتوان داد.
گاه از ملی شدن صنایع در رنج و عذاب، و گاه به خاطر بستن مدارس ممتازان در عتاب و خطاب. گاه انحصار تجارت خارج، رنج از فزاید، و گاه از منع معامله ارز فغانش بر آید.

الغرض، هر چه کند، بد آرد و سنگ حادثه بر سرش بارد. باز عبرت نیارد، و شکست انقلاب را آرزو دارد. همچون «موسام»، دشمن خط امام، و البته شکست خورده و ناکام. با دانشجوی مسلمان جز ره عناد نبوید، و جز دشنامش نکوید. نام کمیته بر زبان نیارد و چشم دیدن پاسدار ندارد. چون صدام، صد دام نهد، و آن گاه که ناکام شود، چون اسپند بر آتش جهد، و ناله و فریاد سردهد. ای لیبرال، ناله و فریاد سر کنی؟

پنداشتی که مردم بیدار خر کنی؟
بس کشته داد ملت ما بهر انقلاب
خواهی ز روی نعتن شهیدان گذر کنی؟
مستضعفان به عرصه پیکار بپوشاند
مستکبری و خواهی کسب ثمر کنی؟
لولو ببرد آن مه راه، خوب گوش کن،
باید که پنهرا تو ز گوشت به در کنی!
مردم به لیبرال مجالی نمی دهند،
هر چند گریه سر دهی و ناله سر کنی.
صدبار می کنند ترا خسوار و مفتضح
نیرنگ و مکر و توطئه صدبار اگر کنی.
با جیب پر ز پول بفرقتند سوی غرب
یاران، تو نیز به که خیال سفر کنی.
مردان لیبرال «بزرگی» فراری اند،
باید تو هم بجنبی و فکر ددر کنی!

توسط نظامیانی که مستشاران آمریکائی آنها را رهبری می کنند: ۱۰ هزار نفر در سال گذشته در السالوادور کشته شدند

داردسته نظامی حاکم بر السالوادور، با آغاز سال جدید مسیحی، به سرایان دستور داده اند که روستاها را به آتش بکشند و زنان، کودکان و پیران را تیرباران کنند. در انجام این دستورات، نظامیان عملیات سفارگانه خود را در سراسر السالوادور گسترش داده اند. یک فرمانده نظامی گفت:

«مقامات رسمی آزادی عمل کامل به ما داده اند». این دستورات جدید برای سرکوب خلق السالوادور در حالی اجرا میشود که آمار حاکی از این است که در سال گذشته بیشتر از ده هزار نفر در عملیات جنایتکارانه رژیم السالوادور، که توسط مستشاران آمریکائی رهبری میشود، در السالوادور کشته شده اند. ولی علیرغم گسترش دامنه جنایات رژیم السالوادور، انقلابیون این کشور در استانهای مختلف به موفقیت های جدیدی دست می یابند و نظامیان را تارومار می کنند.

عربستان سعودی مأمور تشکیل اتحاد نظامی در منطقه شده است

توطئه رژیمهای ارتجاعی عرب، برهبری عربستان سعودی، برای سرهم بندی کردن اتحاد نظامی علیه رژیمهای انقلابی و جنبش آزادی بخش منطقه هر روز بیشتر بر ملا میشود. «میدل ایست» چاپ لندن نوشت: «عربستان سعودی مأمور سرهم بندی کردن این اتحاد شده و این کشور اکنون تلاش دارد با کویت، قطر، امارات عربی متحده، بحرین و عمان در این زمینه بتوافق برسد. این کشورها همگی از «دوستان» آمریکا و انگلیس بشمار میروند».

صدر حزب کمونیست آلمان:

افزایش بودجه نظامی آلمان فدرال، تحت فشار امپریالیسم

صدر حزب کمونیست آلمان (فدرال) در مقاله ای در روزنامه «اوتزر ستایت» به اثرات وحشتناک ادامه مسابقه تسلیحاتی برای اقتصاد کشور اشاره کرد. وی در مقاله خود تأکید کرد که پروژه های نظامی، چنان ابعادی بر ملا میشود. «افزایش بودجه نظامی، که یافته است که حتی بودجه های اختصاص یافته برای آنها، کافی نیست. صدر حزب کمونیست آلمان تأکید کرد: «تحت فشار امپریالیسم آمریکا صورت می گیرد، باعث کاهش میزان بودجه مصارف اجتماعی می شود».

رویدادهای جهان

در شانزدهمین سال مبارزه خلق فلسطین با اشغالگران صیویست سازمان همبستگی آسیا و آفریقا حمایت خود را از خلق قهرمان فلسطین اعلام داشت.

سازمان همبستگی آسیا و آفریقا باردیگر حمایت خود را از مبارزه برحق خلق قهرمان فلسطین، برای احقاق حقوق خود، ابراز داشت. این همبستگی در شانزدهمین سالگرد مبارزه فعال خلق فلسطین علیه اشغالگران اسرائیلی بعمل آمده است. سازمان همبستگی آسیا و آفریقا یادآور شد که فلسطین هسته اصلی مسئله خاورمیانه است و تا زمانیکه خلق فلسطین، حقوق حقه خود را بدست نیارند، این مسئله حل نخواهد شد.

تشدید فعالیت نیروهای ضد سوسیالیستی در لهستان برای ایجاد هرج و مرج

نیروهای ضد سوسیالیستی در لهستان با افزایش فعالیت خود می کوشند بهر وسیله ای شده، در فعالیت حزب متحد کارگری لهستان برای عادی کردن اوضاع کشور کارشکنی کنند.

این نیروها می کوشند تا سازمانهای اجتماعی را تحریک کنند و با شعار تشکیل «اتحادیه همبستگی»، آنها را به سازمانهایی در مقابل ارگانهای حکومتی لهستان مبدل سازند.

محافل مخالف حزب متحد کارگری لهستان از مجاری «اتحادیه همبستگی» خواسته های را مطرح میکنند که آشکارا جنبه برهم زدن اوضاع را دارد و اجرای آن موجب تشدید وخامت اوضاع در لهستان خواهد شد. این نیروها می کوشند با طرح خواسته هایی که در روند تولید رفته ایجاد می کند، باعث ایجاد آشکالات بیشتری در تأمین کالا- های مورد نیاز مردم شوند و از این طریق اقتصاد کشور را به هرج و مرج بکشانند. نیروهای مخالف میخواهند با استفاده از این وضع، به هدفهای خرابکارانه خود برسند.